

نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشاند  
با انتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید



ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۸۰  
شبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۸ - تکریم شماره ۱۵ ریال

افکار عمومی را  
باید از توطئه‌های  
ضد انقلاب  
بیدار نگه و بطور  
کامل آگاه ساخت

درباره توطئه ضد  
انقلابی که توسط دادستان  
کل انقلاب افشا شده.

دادستان کل انقلاب اسلامی، آیت‌الله  
قدوسی، در مصاحبه مطبوعاتی - رادیو  
تلویزیونی، در محل دادستانی انقلاب،  
صحنه‌ای را که در یک روز، ایرادات و  
انهامات وارد به دادستانی و شخصی  
ایشان، به توطئه‌ای برای سحر هم-  
زمان بیمارستان قلب آکه رهبر انقلاب  
شده در صحنه ۲

بار دیگر آژیر می‌دهیم:

# امپریالیسم امریکا در کمین انقلاب ایران

ممکن است توطئه‌های  
خطرناک تری هنوز در پیش باشد

از همان اوایل پیروزی  
انقلاب ایران، مجله امریکایی  
«نیوزویک» صاف و ساده نوشت  
که باید در ایران آنچه‌آن  
بلشوی سیاسی و اقتصادی  
بوجود آید که اگر روزی افسری  
کودتا کند، مردم نفس راحت  
بکشند. (نسخه در صحنه ۲)

رفیق محمد آزادگر  
نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی  
در مجلس شورای ملی از شهر تبریز  
را آزاد کنید!

حزب توده ایران به دستگیری  
رفیق آزادگر شدت اعتراض میکند.

رفیق محمد آزادگر، مسئول کمیته شهر تبریز فرقه  
دمکرات آذربایجان-سازمان حزب توده ایران در آذربایجان-  
و نامزد حزب توده ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی از شهر  
تبریز، که نامزدی وی از جانب فرمانداری تبریز نیز رسماً تأیید  
شده است، روز پنجشنبه در خیابان امام خمینی تبریز، توسط ۴  
ماشیناس دستگیر و به زندان تبریز منتقل شده است.  
عناصر مشکوک از پشت پرده رفیق آزادگر هجوم آورده و ضمن  
آنکه وی را کتک می‌زدند، او را بداخل یک تاکسی انداخته و  
با خود برده‌اند.  
حزب توده ایران نسبت به اینگونه اعمال خلاف قانون و  
مردمانی و ضدانقلابی شدت اعتراض می‌کند و ضمن محکوم کردن  
آن، خواستار دستگیری و محارفات عاملین واقعه و آزادی فوری و  
بدون قید و شرط رفیق آزادگر است.

احسان طبری

دروغ، بهترین اقرار ستمگران

## لعن بر دروغ!

لعن بر دروغ!  
دروغ زانندود، دروغ ریاکار، دروغ زورمند!  
دروغ راست نما و گمراه ساز!  
دروغ مجبور به سکه و سرنیزه!

بگذار، از خود خرسند بگرد  
ولی ما دروی به خواری می‌نگریم  
بگذار آدمیان را آذین دارها کند  
ولی مابه خذلانش باورمندیم  
زیرا سنگ دلی او فرزند بیم اوست.

خجسته باد راستی!  
فروتن، بی‌پروایه، بارسا!  
گنج نیروی حیرت انگیز  
که بایغ معجز سینه شیرا می‌درد  
وخونها واشگها آبدیده‌اش می‌سازد.

اورا از «ترسناک» پروالی نیست  
چون تک‌سوار کربلا در چنبره سپاه یزید  
چون سیاوش پاکدامن در آتش خشم افراسیاب.

در کلبه بی‌رونق حرمان باحقیقت زیستن  
به که، فرعون بی‌بودن براریکه دروغ  
باتباری از چاپلوسان پای بوس.

در پیروزی یاشکست با توایم ای حقیقت!  
زیرا شکست با تو فضیلت و فتح با تو عدالت است

وشما ای گروه بزدل که در جاسار «غرایز» خود  
زندانی هستیند:

در مقابل هر بادی سر فرود آورید!  
از عرق جامعه بهره گیرید و به سر نوشت آن بی‌اعتنا  
باشید!

وشمای معشر ستمگر که سر کوب غیظ آلود حقیقت  
رعز وجودی شماست  
از طلوع آن بهر اسید، زیرا طلوعی است ناگزیر  
به ناگزیری بامدادی که از بطون شب  
و بهاری که از درون زمستان می‌شکفت  
اسفندماه ۱۳۵۸

## باید استاندار کرمانشاه را بخاطر تصمیم خلاف قانون اساسی مورد مؤاخذه جدی و فوری قرار داد

ار خط امام حمایت میکند و چه  
کوشش همه‌جانبه‌ای بعمل می‌آورد  
تا مردم رحتکتر را با محتوی  
سد امپریالیستی و خلقی آن آشنا  
سازد و کلیه نیروهای انقلابی  
مردمی را به دور رهبری مدبرانه  
و تابع امام خمینی گرد آورد.  
پس چطور مقامی چون استاندار  
کرمانشاه هور این واقعیت را  
بمیباید است!

ولی استاندار کرمانشاه طاهر  
کیه کور و نظر شخصی دارد  
حقایق مسلم را نمی‌خواهد ببیند.  
ما به پیروی از متی اصولی  
خود می‌گوییم: حق اوست که ما  
حزب را مخالف باشد، ولی حد  
ار نیست که قانون شکنی کند و  
در مقام مسئولی که قرار گرفته، به  
جای ضوابط اعلام شده و معیار  
نظم خصوصی و مداخلت شخصی  
خود را حاکم کند.

هم‌انهایی که هوادار حزب م  
هستند و هم کسانی که نیستند،  
ولی واقع‌بینند و با موضعی  
بیرونی سیاسی ایران آشنا هستند  
و یا کمترین علاقه‌ای به سر نوشت  
انقلاب ایران دارند، میدانند که  
حزب توده ایران و منجمله رفیق  
شلوکی، عضو بالاترین مقام رهبری  
آن و یکی از تدوین‌کنندگان  
سیاست و متی حزب ما، چه  
مطر و عقیده‌ای دارند. این درجه  
حقوق و در صلاحیت استاندار  
کرمانشاه نیست که قاضی سیاست  
حزب ما باشد و حکم سوابق بودن  
این یا آن حزب را صادر کند.  
استاندار کرمانشاه ساف و ساده  
قانون اساسی و قانون انتخابات را  
زیبیا گذارده و از آن سحر،  
انقلاب بزرگ خلق ما را نادیده  
انگاشته است.

اما درباره «مردودیت» اول  
اگر بخواهیم خیلی برخورد قرائی  
داشته باشیم، باید باطلاع استاندار  
کرمانشاه برسانیم که شورای  
انقلاب تصمیم گرفته است ۲۰ نفر  
باید هر کاندیدا را معرفی کنند  
و زقه مخصوص را امضاء کنند. اگر  
مردودیت ندارند، باور کردند  
باید این عین عدلی است  
که استاندار برای توجیه عمل  
گستاخانه خود ذکر کرده است.  
شما میتوانی بگوئید که هر  
کس در ایران کم و بیش درباره  
روش و سیاست حزب توده ایران  
اطلاعاتی دارد، میدانند که قدیمی-  
ترین حزب سیاسی موجود ایران  
ما چه پیگیری و مداخلت و قدرتی

### تصمیم غیر قانونی استاندار کرمانشاه در مورد محروم کردن نامزدهای نمایندگی حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی از کرمانشاه و لغو آن توسط وزارت کشور

استاندار کرمانشاه، برخلاف قانون اساسی،  
رفقا رضا شلتوکی و مهوش حدیدی را از شرکت در  
انتخابات مجلس شورای ملی بعنوان نامزدهای نمایندگی  
حزب توده ایران در این انتخابات از کرمانشاه محروم  
کرده بود.  
رفقا شلتوکی و حدیدی بلافاصله به این تصمیم  
غیر قانونی وزارت کشور اعتراض کردند و لغو فوری  
آنرا خواستار شدند.  
وزارت کشور در پاسخ شکایت این رفقا اطلاع  
داد که تصمیم استاندار کرمانشاه در این مورد منتفی  
است.

بدینسان با تصمیم درست و قانونی وزارت  
کشور، تصمیم نادرست، غیر قانونی و خصمانه استاندار  
کرمانشاه لغو شد.

ما ضمن سپاسگزاری از وزارت کشور بخاطر  
رعایت قانون اساسی، از آنجا که استاندار کرمانشاه  
بهر حال به یک عمل خلاف قانون اساسی در مورد  
نامزدهای نمایندگی حزب توده ایران در انتخابات  
مجلس شورای ملی از کرمانشاه دست زده است، لازم  
میدانیم که اولاً به این تصمیم خلاف قانون اساسی  
استاندار کرمانشاه شدت اعتراض کنیم. ثانیاً خواهان  
مواخذه جدی از استاندار کرمانشاه از جانب وزارت  
کشور شویم. ثالثاً به همه مقامات مسئول کشور هشدار  
دهیم که این خلاقاریها و اعمال غیر قانونی از جانب  
بالاترین مقام یک استان کشور تا چه حد بزبان انقلاب  
است و تا چه حد میتواند مورد سوءاستفاده ضد انقلاب  
قرار گیرد.

مقاله‌ای که در این زمینه در همین شماره مردم  
میخوانید به همین منظور نوشته شده است.

حادثه‌ای باور نکردنی روی داده  
است. استاندار استان کرمانشاه  
یعنی اجازه داده است که رفیق  
ارجندما رضا شلتوکی، عضو هیئت  
سیاسی کمیته مرکزی حزب توده  
ایران، و همچنین رفیق دیگر ما  
خانم مهوش حدیدی، همسر رفیق  
شید آذونوش مهدویان، را از  
حق شرکت در انتخابات مجلس  
شورای ملی، بعنوان نامزد حزب ما  
از کرمانشاه محروم کند.

سؤال ما از رئیس جمهور و  
شورای انقلاب و سرپرست وزارت  
کشور اینست که: این تصمیم  
آشکارا خلاف قانون اساسی بالا-  
ترین مقام یک استان را به چه  
تعمیر باید کرد؟ آیا میتوان تردید  
داشت که نفس آشکار و خود-  
سرانه بدیدی‌ترین حق هر حزب  
سیاسی توسط یک مقام رسمی،  
دیگر سنگ بر سنگ قانون  
اساسی و سخنان رئیس جمهور و  
تصمیمات شورای انقلاب باقی  
نخواهد گذارده، آنهم در جوی که  
گروههای فشار غیر مسئول و نه-  
معلوم، پهنای آدم میکشد، به  
براکر احزاب و سازمانها و  
تظاهرات حمله میکنند، کتاب روشی  
و روزنامه میسوزانند؟ آیا همین  
نمض فاحش قانون توسط یک  
مقام مسئول دولتی، که در آستانه  
شکل گرفتن نهادهای جمهوری  
اسلامی ایران انجام میشود، باید  
گذار بدینی ویرانگر نخواهد شد  
و آن گروههای غیر مسئول نباید  
ولی مخرب و میدان‌دار را جری‌تر  
نخواهد کرد؟

قانون انتخابات مصوبه شورای  
انقلاب حاضر است و مقررات نام  
نویسی برای کاندیدا شدن در  
انتخابات نیز معلوم، ضوابط و  
شرایط آشکار و صریح فید شده  
است. مسئله اینجاست که آیا  
قانون اساسی ایران و قانون  
انتخابات و ضوابط معرفی کاندیدا-  
ها را استاندار کرمانشاه قبول  
دارد یا بنا به نظریات شخصی  
خود و احیاناً ضوابط زمان طغوب  
عمل میکند؟

عمل استاندار کرمانشاه نشان  
میدهد که وی ظاهراً هور تصمیم  
است که در ایران انقلابی شده و  
شاهی سقوط کرده و جمهوری در  
ایران شتر شده و قوانین زمان  
سلطنت استبدادی دست‌نشانده دیگر  
جاری نیستند.

استاندار کرمانشاه که گویند  
کینه ویزهای نسته حزب توده

### اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اتحاد دمکراتیک مردم  
ایران، آقای محمود اعتمادزاده  
(به آذین) را برای نمایندگی در  
مجلس شورای ملی از شهر تبریز  
تبرده است.

آقای محمود اعتمادزاده از  
برجسته‌ترین نویسندگان و مترجمان  
معاصر ایران و شخصیت مین دو ست  
و آزادیخواهی است که با تحمل  
فشار پلیسی و زندان محمد رضا  
شاهی، استوار و بی‌گوروی تزلزل  
درد راه استقلال و آزادی و ترقی  
ایران مبارزه کرده است و پس از  
انقلاب بزرگ مردم ایران تمام  
بهری خود را با خاطر تثبیت،  
تکمیل و گسترش انقلاب ایران  
بکار برده و میبرد.

حزب توده ایران از آقای  
محمود اعتمادزاده بعنوان نامرد  
اتحاد دمکراتیک مردم ایران  
برای نمایندگی در مجلس شورای ملی  
از شهر تبریز نامی میکند.

دبیرخانه کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
۱۳۵۸/۱۲/۹

### در ۸ صفحه امروز:

پاکسازی ارتش  
ضرورت  
انقلابی مبرم

ضد انقلابیون  
کوسوله عهده‌دار نقش  
ساواک در سقر شده‌اند

گزارشی از زندگی  
رقت بار ۸۰ هزار ساکن  
دپای کت، شیراز

نکاتی چند درباره:  
برنامه حل مسأله  
زمین در گنبد

برنامه نامزدهای  
حزب توده ایران در  
انتخابات مجلس شورای ملی  
برای تأمین رشد متعادل،  
سالم و آزاد کودکان مسا  
صفحه ۴

## سخنرانی انتخاباتی رفیق کیانوری

روز جمعه ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۸، ساعت ۳  
بعد از ظهر، در محوطه شمال غربی میدان آزادی،  
رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی  
حزب توده ایران، در باره برنامه نامزدهای حزب  
توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی سخنرانی  
خواهد کرد.  
از همه مردم میهن دوست و زحمتکش تهران  
دعوت میکنیم که برای آشناسدن با برنامه نامزدهای  
حزب توده ایران، در این میتینگ انتخاباتی  
شرکت کنند.

### افکار عمومی را باید...

بقیه از صفحه ۱  
 امام خمینی در آنجا بستری هستند و دیگر نقاط حساس کشور اشاره کرد.  
 از بحث مربوط به پاسنهای (نسبتا مصلحت) ایشان به ایرادات وارد کرده بگذریم (این موضوع احتیاج به رسیدگی دقیق و مشخص اسناد و شواهد دارد) باید گفت که در این هنگام که ضد انقلاب پرورده امپریالیسم آمریکا، در آستانه انتخابات اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، دامنه تحریکات و خرابکاری های خود را گسترش خاصی داده، این «توطئه تکانه» دهنده واقعا توجه را جلب می کند. لیکن با کمال تاسف باید اذعان کرد که در اظهارات (بسیار محض) دادستان کل ایران در ایام مانده است.  
 دادستان کل انقلاب اسلامی در ارتباط با «تحصن دادستانی اوین» متذکر می شود که: «ما دفعتا با یک پرونده برخورد کردیم

که به نحو تصادفی این پرونده بدست ما آمده.  
 دادستان کل انقلاب در نتیجه گیریهای کلی از این بخش از اظهارات خود می گوید:  
 «این احتمال بوده که یک زمینه ای برای مسائلی در پیش بوده که خوشبختانه به خیر گذشت.» (تکیه از ماست)  
 دادستان کل متذکر می شود که:  
 «در این پرونده برنامه هایی برای گروه خاصی ترتیب داده شده و سپس بخشی از این برنامه ها را نقل می کند، بدون اینکه این «گروه خاص» را مشخص کند. از آن بخشی از این برنامه ها هم که نقل شده، معلوم نیست که هدف و طرف این «گروه خاص» چه کسانی، گروه های و یا سازمانی بوده است؛ از آن یک «هوشته جالبی» که دادستان نقل کرده است، دیده میشود که توطئه گسترده ضدانقلابی برای تسخیر هژمان پیمایستان قلب (محل اقامت رهبر انقلاب)، رادیو و تلویزیون، نخست وزیر، ستاد ارتش و زندان اوین طرح ریزی شده است. بنا با اظهارات دادستان کل، این

پرونده، «تصادفاً یکجائی پیگیری شده» بدست آمده مطالب بسیار جالب و تکان دهنده ای دارد. ولی با وجود همه اینها، دادستان کل انقلاب در نتیجه گیری کلی خود فقط از «احتمال» یک زمینه ای (وجه زمینه ای) برای مسائلی «چند سائلی» صحبت کرده است.  
 دادستان کل انقلاب اسلامی میگوید: «ما چون مشغول پیگیری هستیم اصولا نمیتوانیم همه مطالب قبل از فاش شدن روشن شود، لذا از اشاعه و افشای بقیه مطالب خودداری میکنیم.»  
 در این مورد باید گفت: اگر فاش شدن «همه مطالب» قبل از روشن شدن آنها درست نیست، پس چرا همین اظهارات نامفهوم صورت گرفته است؟ افشای تنها بخشی از مطالب بطور ناروا و نامشخص آنهم بیارمون «توطئه ای تکانه» دهنده علیه انقلاب، علیه رهبر انقلاب، علیه نهادها و ارگانهای انقلاب، بجای روشن کردن اذهان مردم و هدایت افکار عمومی در سمت حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و پیشبرد خط امام، فقط می تواند باعث ناراحتی مردم و تمسح ناروای

افکار عمومی شود. اما بنظر ما نکته مهم و اساسی که از این واقعه، مانند بسیاری از دسایس و خرابکاریهای قبلی ضدانقلاب پرورده امپریالیسم آمریکا، آشکار میشود اینست که:  
 اولاً دیده میشود ضدانقلاب به توطئه ها و خرابکاریهایش علیه انقلاب مردم ایران شدت و وسعت داده است.  
 ثانیاً مشاهده میشود که مقامات مسئول در پیشگیری بوقوع و طبق نقشه از این قبیل توطئه ها و خرابکاریها یا کنداند و یا عاجزاند.  
 آیا میتوان در مقابل چنین توطئه های گسترده و روزافزونی به «تصادفات» امید بست و منتظر بود تا «دفعتا» با یک پرونده برخورد کرد و «تصادفاً» یکجائی پیگیری کرد و آیا برای مقابله با چنین توطئه ها و خرابکاریها، جز روشن کردن بوقوع افکار عمومی و تنظیم نقشه واحد بیضیبنی شده برای حفظ دستاوردها و نهادهای انقلاب با شرکت مستقیم و فعال توده های مردم وسیله موثرتر دیگری وجود دارد؟

### به کارزار تبلیغاتی نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی کمک مالی کنید

حزب توده ایران برای کارزار تبلیغاتی خود بمناسبت انتخابات مجلس شورای ملی نیاز جدی به کمک مالی دارد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و از همه سازمانهای حزبی درسراسر ایران می طلبیم که هم خود برای پیشبرد این امر به حزب کمک مالی کنند و هم جمع آوری این کمک را از هواداران سازمان دهند.  
 کمک مالی را میتوان به دفاتر حزب در تهران و شهرستانها و یا به شماره حساب ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر، بنام رضا شلتوکی پرداخت کرد.

### شرکت تعاونی تهیه و توزیع چرخهای خیاطی: برای تولید چرخهای خیاطی دستی حاضریم!

سالانه چهارصد و پنجاه میلیون تومان ارز بابت خرید چرخهای خیاطی، از کشور خارج میشود

شرکت تعاونی تهیه و توزیع چرخهای خیاطی، که پیش از یکصد عضو دارد، طی نامه ای به وزارت صنایع و معادن اعلام کرده که حاضر است برای جلوگیری از خروج ارز از کشور و رشد صنایع داخلی، به تولید چرخ خیاطی دستی اقدام کند. در نامه شرکت تعاونی از جمله آمده است:

طبق آماری که در دست است، سالانه معادل بیش از چهار بیلیون و پانصد بیلیون ریال بابت بخرید انواع چرخهای خیاطی، ارز از کشور عزیز ما خارج میشود و این ارزها به بیگ کشور، بلکه به دهها کشور جهان سرازیر میشود در مقابل، انواع چرخهای خیاطی با مدلهای گوناگون بازارهای ایران وارد میشود. این امر گذشته از خارج شدن مقادیر بسیار قابل ملاحظه ای ارز از مسکن، مشکلات فراوانی برای مصرف کنندگان (که محصولات با بهای گزافی بدستشان میرسد) بویژه برای تهیه لوازم یدکی آنها فراهم میکند. بخصوص که گاه دیده شده که لوازم یدکی چرخهای بنجیل و غیرمشهور، توسط عده ای افراد غیر مطلع خریداری و با ایران وارد شده و اکثراً غیر ضروری بوده و بلااستفاده و بدون لوازم یدکی در دستشان مانده است.

همچنین اکثر وارد کنندگان عمده، از بدست سود کلان و بی رویه ای که از این راه عایدشان میشود، از اقدام ساختن این کالا (که قبلاً در این کشور قبل ساخت مییافتند) با نفع مختلف کار شکی نموده و مانع از اقدام به چنین امر انقلابی میباشند و ملاحظه میفرمائید که با ادامه این عمل چه طعمه فراوانی به اقتصاد ضعیف این کشور وارد میشود.

لذا با توجه به مراتب بالا، شرکت تعاونی تهیه و توزیع کنندگان چرخهای خیاطی در ایران بدینوسیله اعلام میدارد: چرخهای خیاطی (بخصوص انواع دستی آن) بخاطر سادگی و مصرف فوق العاده ای که در ایران دارد، این تعاونی حاضر است با کمک همکاری وزارت محترم صنایع و معادن و راهنمایی و تسهیلاتی که در اختیار ما خواهد گذارد، برای ساخت کلیه چرخهای خیاطی دستی در کشور بپوشوی شده آمادگی خود را اعلام میداریم و از وزارت محترم صنایع و معادن تقاضا داریم، ضمن تحریم ورود این کالاها، هر نوع راهنمایی لازم را از ما دریغ نفرمایند تا در این منقطع از زمان و انقلاب اسبیل ایران قدم مثبتی در راه بهبود وضع اقتصادی کشور و ساختن ایرانی آباد و آزاد برداریم.

«مردم پیشنهاد شرکت تعاونی تهیه و توزیع چرخهای خیاطی، پیشنهادی مستولانه، دلسوزانه و انقلابی است. ما از وزارت صنایع و معادن، که وظیفه احیای اقتصاد ملی ایران و قطع وابستگی اسارت بار اقتصادی و صنعتی ما به امپریالیسم را برعهده دارد، میخواهیم که به این پیشنهاد توجه جدی مبذول دارد و با کمک به داوطلبین تولید چرخهای خیاطی، گامی جدی در جهت قطع وابستگی در این زمینه به پیش بردارد.

### رئیس جمهوری سنگال:

### «من دوست قدیم شاه بوده وهستم!»

بنابگزارش روزنامه «القبس»، چاپ کویت، لئوپولد استرگور، رئیس جمهوری سنگال، اظهار داشت که «من دوست قدیم شاه بوده وهستم!» وی طی مصاحبه ای اظهار امیدوار کرد که: «ایران پیشرفت خود را بسوی پیشروی و همکاری با زمان ادامه خواهد داد، با اینکه در مدت انقلاب و بعد از آن از پیشرفت بازمانده و این توقف بدون رابطه با اسلام نیست.» لئوپولد استرگور، در مصاحبه با تلویزیون فرانسه، ضمن تکرار این مطلب که «من از قدیم دوست شاه بوده و هنوز هم هستم»، گفت: «این پستی و ذلالت است که دولت پاناما شاه را به دولت ایران تحویل بدهد. من هنگامی که خمینی به ایران بازگشت، گفتم که او نمیتواند تاریخ را به عقب برگرداند، چنانکه نمیتواند ایران را به قرون وسطی برگرداند. باید بین دین و سیاست تمایز قائل شد.» وزیر امور خارجه سنگال از شرکت کنندگان در کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان بود. با این اظهارات رئیس جمهور سنگال، این سؤال مطرح است که نمایندگی جمهوری سنگال بخاطر دفاع از راه مملو و جامعه دینی اسلامی ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان شرکت کرده بود؟ این نمایندگان رژیمهای از قبیل سنگال در میان کشور های شرکت کننده در کنفرانس اسلامی پاکستان کم نبودند. این اظهار نظر رئیس جمهور سنگال با دیگر دستهای مواضع احزاب و سازمانهایی را که بنظر وزیر امور خارجه، گویا از جانب حزب توده ایران به آنها «تحویل شده» (۱)، تأیید میکند که، از همان آغاز فراخوانی کنفرانس اسلام آباد، اهداف و ماهیت این کنفرانس را افشا کردند و شرکت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس را منافی با منافع انقلاب جمهوری اسلامی ایران تشخیص دادند.

### دستاوردهای انقلاب را بشکل ملموسی بهم نشان داد.

یابد یک دموکراسی واقعی خلقی با شرکت نیروهای مترقی اعم از مسلمانان انقلابی و نیروهای چپ، بر پایه اعتماد متقابل پدید آید تا جمهوری اسلامی ایران با سیمای یگانگی داخلی و خانگی تحکیم شود و همه در حفظ نظام پند از انقلاب خود را شریک و مسئول شمرند و دل گرم و مطمئن باشند. دل سردی عناصر ضد سوسی «ویروس» خطرناک ضد انقلابی است.

اکنون همه دیده ها نگران انتخابات است که کیفیت آن میتواند درجه اعتماد را بالا ببرد. محروم کردن نیروهای اقلیتی از شرکت در مجلس یک خطای جدی است.

اگر ما هر چه زودتر کشور را به مجلس شورای ملی واقعی و نماینده تشرها و گروههای مختلف، به کابینه مترقی با برنامه مشخص فعالیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی و عمل مجدانه در راه آن، مجهز کنیم و بسندوران بی سروسامانی خاتمه بخشیم، میتوانیم پاساژ درخوردنی به ضد انقلاب بدهیم.

یکی از سیاستمداران مترقی خارج بدرستی گفت: ایران جانی است که در آن امپریالیسم پایگاه

علاوه بر آنها، در همه صفوف فوقانی جامعه، هزاران نفر «گوش خوابانده» و منتظر فرصتند و میخواهند انقلاب ایران را در دهن کنند، یعنی همان کاری که با انقلاب مشروطیت شده است.

ضد انقلاب رسماً از شروع لندنها و خشکیها و بی اعتمادیها در میان مردم، در مطبوعات خود در خارج از کشور ایران، شادمانی میکند و بخود وعده میدهد که برای انقلاب ما «آغاز پایانه» رسیده است.

ابدا نباید اجازه داد که این خوابهای پلانی نیروهای سیاه گذشته تمیز شود. ما بارها نظر خود را در باره ضرورت وحدت نیروها، اقدامات قاطع انقلابی علیه ضد انقلاب، اتخاذ سیاست اقتصادی موثر بیرون خود، از اشاعه ضد انقلاب و سازشکاران، تمیز دادن دوست از دشمن و غیره بیان داشته ایم، این کارهای بنیادی است.

با تلخکمی باید بگوئیم که برد این سخنان ماکم است و بهار دیگر در دوران بیماری اسام تراکم ابرها در اقتصاد ایران بپوشود دیده میشود و در مرکز اداره کننده انقلاب اختلاف و نا هماهنگی و حتی کم کردن سهمهای اساسی کار بپوش میشود. باید وضع را با سرعت بطرف تثبیت بسود اکثریت مردم برد

### سردرگمی عجیبی در میان مردم بوجود آورده است.

درست گفته اند که اگر این انقلاب پایه خلقی نداشت، اگر نظام استبدادی پهلوی و امپریالیسم پشتیبان آن، آنقدر منفرد و منفرد نبود، این همه توطئه ها کم انقلاب را می شکست. ولی خطاست اگر تصور شود این عامل می تواند همیشه انقلاب را از توطئه های بی دریغی و ماهرانه معون و محروس نگه دارد.

اگر غفلت شود، آماج می توان مطمئن بود: «دکه ضد انقلاب هرگز به هدف خود نمیرسد؛ آیا میتوان به تائید عمل گروه های سری یا آشکار (ولی ریاکار) که تشبه به ریشه انقلاب میزند، کم بپا داد؟ غفلت و دل خوش و خوش بینی زانودرغوش شدن را تاریخ نمی بخشد و برای انقلاب و جامعه فاجعه مهیب ببار می آورد.

در این شرایط هر گونه خوش خیالی و بی توجهی خطای فاحش است. در خارج از کشور چنان که مستقیم شاه مخلوع از نوع او می و پالیزبان و گروههای وابسته به- بختیار کرد فمالینند. در داخل کشور هنوز در یادار علوی های لو رفته در برخی از حساسترین مقامات نظامی و نظامی جا گرفته اند و امیر نظام های افشا نشده جایگاههای محکمی در دستگاه دولتی اشغال کرده اند.

### باید استاندار کرمانشاه را...

بقیه از صفحه ۱  
 کاندیدای ما از استان کرمانشاه بود کسی هم به معرفیت او اعتراضی نداشت. لاقال آن رای- هائی که بنام او در صندوق ریخته شد، نمودار معرفیت اوست. لالا اگر بخواهیم جان کلام را بگوئیم، باید از استاندار کرمانشاه پرسیم که: شما گویا بویید طی تمام آن مدت ۴۵ سال که رفیق رضا شلتوکی در زندانهای شاه مخلوع اسیر بود و شکنجه میشد؛ هنگامیکه او حمله فتح سیاهچالهای ساواک را میسوزد، شما آن ۴۵ سال را چسبگوت گزاندید؟ شما اصلاً نمیتوانید تصور ۴۵ سال زندان شاه جلا را بکنید، که بخود اجازه محروم کردن شلتوکی را میدهید؟ آری، در حد استناد کرمانشاه نیست که درباره معرفیت شلتوکی تصمیم بگیرد. مردی که، استوار چون گوه در برابر شکنجه گران ساواک ایستاد، بانگر مقاومت خلق ما در برابر رژیم فاسد و وابسته شاه مخلوع است. او انتظار هر ایرانی شریف و انقلابی است و برای ما توده های افشخاری دو- گانه است که چنین قهرمانی را در صفوف حزب خود دارند. شلتوکیها در قلب ملتی جای دارند و وجدان آگاه و بیدار خلق

### راهپیمائی مردم دزفول علیه سازشکاران

مردم دزفول ضمن یک راهپیمائی سیاستهای سازشکارانه لبرال را محکوم کردند و خواستار پشتیبانی از سیاست انقلابی بنیاد مسکن اسلام این شهر شدند. در این راهپیمائی یکی از سخنرانان گفت: «در کشور انقلابی ما دوجریان انقلابی و غیر انقلابی وجود دارد، یکی خط انقلابی امام، که با هر گونه سازش با امپریالیسم و دستپاچه شدن مخالف است، و دیگری لبرالیسم بورژوازی، که میخواهد راه پیشرفت انقلاب ما را سد کند و به بن بست زمین زند و به سازش با امپریالیسم و عمل داخلی آن، مستکبرین زمین خوار و اوار سازد. در رابطه با این سیاست سازشکارانه است که ما علیه آقای ناسج دادستان شهرستان دزفول به تظاهرات پرداختیم. زیر ایشان به جای پشتیبانی از سیاست انقلابی بنیاد مسکن اسلام، که هدفش ایجاد مسکن آردان- قیمت برای مستضعفین است، با آن مخالفت ورزید و از تقسیم زمین زمینخواران بزرگ بین مستضعفین جلوگیری میکند. این سخنران سپس اظهار داشت که: «برای اعمال نرسد دادستان شهرستان دزفول تاکنون از مجازات در تبعیسی عامل ساواک و تأیید کننده جنایات ساواک تحت عنوان «بزرگ قانونی» جلوگیری شده است.»

تظاهر کنندگان آنجا ضمن تأیید دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، خواستار ادامه افشاکری آنها شده و از سپاه پاسداران شهر خود نیز خواستند تا روشن شدن رسیدگی فوری به کلر دادستان این شهر و همچنین بنیاد مسکن مستضعفین از کلر دادستان جلوگیری بعمل آورند.

### ۵۰ نفر از دیپلمه های بیکار شهر اراک روانه روستاها شدند

روز چهارشنبه ۲۴ بهمن، ۵۰ نفر از دیپلمه های بیکار شهر اراک برای تدبیر به روستاهای اطراف فرستاده شدند. این عمل در شرایط کنونی می تواند کمک مؤثری، در جهت کاهش میزان بیکاری بسوادید و روستاهای این اوجم اقدامات در جهت کاهش میزان بیکاری باشد. البته لازم به تأکید است که مقامات مسئول باید بر نامه مشخص و منظم و بهیاد بر حل مشکلات بیکاری تنظیم کنند تا بیکاری ریشه کن شود.

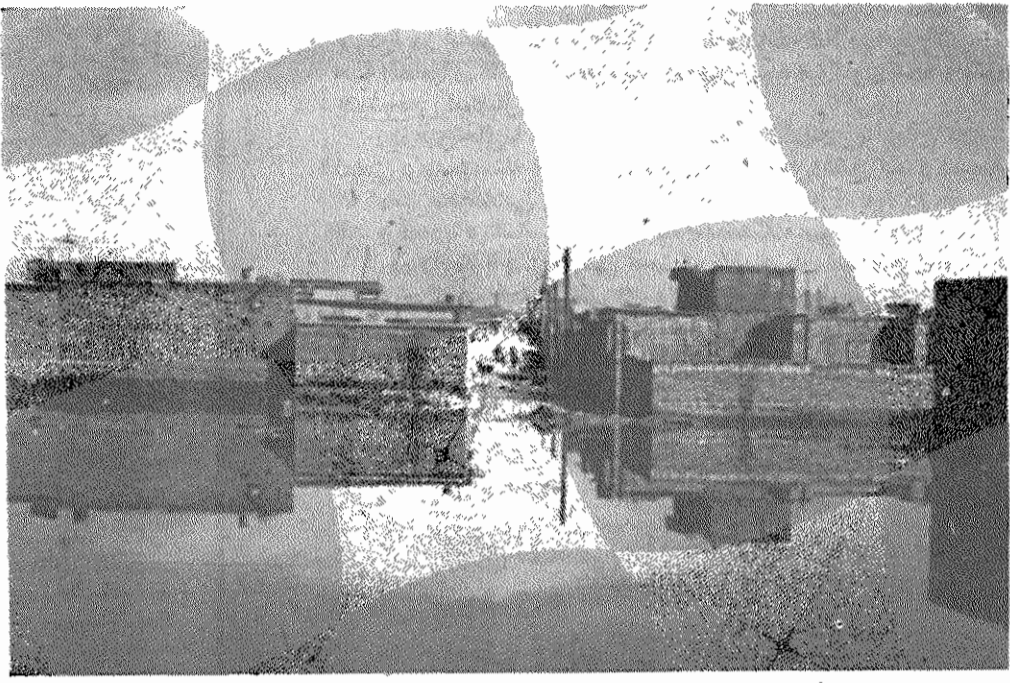
### با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

۸۰ هزار ساکن محله «پای کت» شیراز:

انقلاب نکردیم که در فاضلاب زندگی کنیم

«پای کت» در جنوب شرقی شیراز، یکی از محلات فقیر این شهر است. خبرنگاران «مردم» در شیراز در این محل، که قبلا به کوره پزخانه مشهور بوده، بدیدار زحمتکشانی رفته اند که بارسنگین فقر بر چهره سوخته آنها شیار انداخته است. زحمتکشانی که در آب ولجن غرق شده اند.

چندین سال پیش، هنگامی که دولت وقت زمینهای منطقه را به قیمت های ارزان بفروش میرسانده، عده زیادی از اهالی شیراز، که اکثرا از دهات و شهرهای کوچک اطراف به شیراز حرکت کرده اند، اقدام به خرید زمین و ساختن خانه در این محل کردند. این محل روی فاضلاب شیراز قرار دارد، جایی که قسمت اعظم کانال کسی شهر به آن منتهی میشود. خود اهالی به طنز میگویند: «ما روی دریاچه زندگی میکنیم!»



نمایی از محله - همانطور که می بینید، همه جا در آب غرق است.

مردم محله: «زمان انقلاب سینه جوانهای این محله سپر وطن بود، ولی حالا حتی از یک بازدید هم دریغ دارند».

به همه مردم ایران بگویند: «محله پای کت ۱۳ هزار خانوار دارد، ولی مدرسه حمام ندارد، آب درست و حسابی مشروب ندارد، درمانگاه ندارد، بیمارستان ندارد، حمام ندارد، دکتر و داروخانه ندارد، فقط فقر دارد و فلاکت».

باران، که در همه جا رحمت آور است، اینجا رنج آور است. چون وقتی باران ببارد دیگر کسی قادر نیست در محل زندگی کند. بهر باران، از زمین هم آب می جوشد. اکثر منازل بعد از باران تخلیه میشود و مردم به اجاره نشینی میروند. چون خانه ها بر روی پوسته بسیار نازکی بر روی آب ساخته شده و در نتیجه آب باران، همراه با آب فاضلاب، در سطح منازل و کوچه ها باقی میماند. اطراف محله واقعا چون دریاچه ای است و هنگام بارندگی در زمستان، ارتباط مردم با خارج تقریبا قطع میشود.

تخلیه آب منازل اکتفا کرده اند. گل صتم، زن جوان و زیبایی که با زندگی او را چون مجوزهای کرده است، با چشمان پر از اشک ما را پذیرفت. کودک شیرخواری که از فرط گرسنگی حتی نای فریاد زدن هم نداشت، در آغوش او بود. نوزاد نوا میبود، از دستری که در پانزده سالگی او را شومر داده اند. چشمان بی فروغ دخترک غم و دردی فراوان را منعکس می کرد. کودک گاه در آغوش مادر گاه در آغوش مادربزرگ است. گرسنه است و شیر خشک موجودی آنها آتقدر کم است، که کفاز نمی کنند.

گل صتم میگفت: «شهرم در اثر سوختگی زمین گیر شده. زمان انقلاب سوخته. بعد از ۹ ماه که در بیمارستان بودم، او را به منزل آوردیم. چون اینجا درمانگاه نداریم، وقتی سوخته تا او را به درمانگاه رساندم تمام بدنش سوخته و حالا از کار افتاده. پسر ۱۴ ساله ام را سرپازان طاعون هنگام تظاهرات آنتنر با باطوم زدند، که دیوانه شده است و



اثاثه خانه را بیرون ریخته اند تا کف اطاق را قیرگونی کنند.

محلات فقیر را معرفی کنید

«محلات فقر» حلقه های زنجیره عظیم و طولانی هستند که سرمایه داران بزرگ و ایسته و زمینداران بزرگ و دست خونین امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا بافته و بر پیکر ایران افکنده اند.

در این محلات زحمتکش ترین توده های خلق، کارگران، روستائیان مهاجر و دیگر زحمتکشان در غیر انسانی ترین شرایط پهن زندگی ادامه میدهند.

این «کوچ نشین» ها، که امام خمینی انقلاب را از آن آنها می داند، میراث شوم رژیم دست نشانده پهلوی هستند. میراثی که چهره ایران را از کثرت پرابله کرده است. اعماق اجتماع استعمارزده ایران را باید در این محلات جست. محلاتی که شناسنامه های یکسان دارند: رنج، به وفور هست، از کمترین وسایل آسایش انسانی خبری نیست.

«مردم» در سلسله گزارش هایی از شهرهای مختلف، این محلات فقر را به مقامات مسئول معرفی می کند و از آنها میخواهد که هرچه زودتر به زندگی سراسر رنج این زحمتکشان جامعه پایان دهند.

«مردم» از همه مسئولان حزبی، اعضاء، خبرنگاران، دوستان و هواداران حزب توده ایران می طلبد که محلات فقر شهرهای خود را در «مردم»، با فرستادن گزارش و عکس، معرفی کنند.

بسیاریم؟ میگویند بروید بالک وام بگیرید. اولاً کدام بالک با ما این وضع درآمد وام میدهد؟ تازه اگر بنده، ما چطور این وام را پرداخت کنیم؟ زمان انقلاب ما بودیم که راه یصافی کردیم، ما همیشه در همه دنیا انقلاب را زحمتکشها و کارگرها میکنند. سرمایه دارها فقط از پشت پنجره ها به انقلاب نگاه میکردند. حالا این دستمزد ماست؟ این محله را بنام انقلاب نامگذاری کرده بودند. این محله چندین نفر کشته داد، حالا ما باید یک سقف داشته باشیم که زیر آن زندگی کنیم؟ ما مقصر اصلی را پیدا کردیم و او را بیرون کردیم. آن خان را که تمام ثروت مملکت ما را با بانکهای فرانسه، سوئیس، انگلستان و آمریکا برد، بیرون کردیم. حالا خودمان بایستی توی این فلاکت زندگی کنیم؟ مملکت ما ثروت مند است. ما نفت داریم، پول یگروفت نفت را خرج ما و افرادی نظیر ما میکنند. آخر ما هم سهم داریم. همانطور که جنگیدیم، عطا داشته باشیم، که سرراحت به بالین بگذاریم. از شهرداری هیچ اقدامی نمیکنند. بنا می گویند بیاید بروید توی جیبها منزل کنید. آخر اینست جواب ما؟ پاسداران و کمیته هم که اصلا جواب ما را نمیدهند. ما پول قرض کردیم. هنوز داریم نزول آن قرضه را میپردازیم. از کجا بیآوریم؟ خرج زندگی را چه کنیم؟ لاینا ما سال به سال میخوریم. یک گوشت اگر گیرمان بیاید، یک یا دوبار در ماه است. هر جا می رویم، میگویند: «ما حامی مستضعفین هستیم». کدام حمایت؟ آیا از ما بیچاره تر کسی هست؟ ما در فاضلاب زندگی میکنیم. حالا آمدند اسم این محله را عوض کردند. بابا تغییر اسم کوچه و محله چه دردی را از ما دوا می کند؟ همه صحبتها فقط روی کاغذ و توی رادیو است. کسی عمل نمیکند. شما را قسم می دهم، اسم من را همه جا بنویسید.

«ه! یکبار است، شوهر کردم که یک خرج خور کم شده، حالا با یک بچه برگشتم. خاله نداریم، کار نداریم، پول نداریم. آرزو داشتیم که بدمرسه بروم، ولی چطور؟ کسی بدهد ما نیرسد. زمان انقلاب سینه جوانهای این محل سپر وطن بود، ولی حالا حتی از یک بازدید هم دریغ دارند. این ما بودیم که انقلاب کردیم. همین پاره های نظیر ما بودند، ولی حالا کسی بفریاد ما تفسیرسد، خواست ما فقط یک خانه است، که بتوانیم شب سرمازا آسوده زمین بگذاریم».

گل صتم شروع به گریه میکند. سرش را مرتبا به آسمان بلند میکند و به شاه فحش میدهد. می گوید: «هرچه بود زیر سر اون رسوا شده بود. هرچه داشتیم برد و خورد».

به عکس امام خمینی، که بر سینه دیوار نشسته بود، اشاره می کند: «خداوند او را زنده نگاهدارد. تنها امید ما اوست. ما خاله نداریم، زندگی نداریم، آب نداریم، این محل را مثلا لوله کسی کرده اند، ولی با این دریاچه آب که روی آن زندگی میکنیم، در هفته ۵ روز آب نمی آید و ما مجبوریم برای آوردن آب از فشاری محل، ساعتها در صف انتظار بکشیم. هر شب که باران می آید، ما از ترس فروریختن سقف و گشودن شدن چاه در کف حیاط خواب نداریم. شما برای ما کاری انجام دهید».

منزل گل صتم را با خاطری غمگین از این همه درد ترک کردیم. به خانه محمد خشالی، کارگر کفکش رفتیم. مشغول قیرگونی کردن سطح اطاقها است. خانهای با مساحت شاید ۵۰ متر مربع، نفر و غم چهره این کارگر زحمتکش را آنچنان فرسوده کرده، که باور کردنی نیست. با آنکه چندان پیر نیست، لرزش عجیبی

توی روزنامه ها عکس ما را چاپ کنند، تا مردم بدانند که ۸۰ هزار نفر توی فاضلاب زندگی میکنند. به همه مردم بگویند که محله پای کت ۱۳ هزار خانوار دارد، ولی مدرسه ندارد، آب درست و حسابی مشروب ندارد، درمانگاه ندارد، بیمارستان ندارد، حمام ندارد، دکتر و داروخانه ندارد. فقط فقر دارد و فلاکت».

زیر آن زندگی کنیم».

از آن رسیدیم: «این بوی تعفن از چیست؟»

با چشمانی پر از اشک، اشکی که از گوه فقر سرچشمه می گرفت، گفت: «اینجا فاضلاب شهر است. اینجا همه مملو از آب است».

منزل گل صتم را با خاطری غمگین از این همه درد ترک کردیم. به خانه محمد خشالی، کارگر کفکش رفتیم. مشغول قیرگونی کردن سطح اطاقها است. خانهای با مساحت شاید ۵۰ متر مربع، نفر و غم چهره این کارگر زحمتکش را آنچنان فرسوده کرده، که باور کردنی نیست. با آنکه چندان پیر نیست، لرزش عجیبی

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

### برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی

## برای تأمین رشد متعادل، سالم و آزاد کودکان ما

ایران کودکان کارگزین ۶-۵ سالگی شروع بکار میکنند.

**حزب توده ایران برای جلوگیری از کار کودکان پیشنهاد میکند:**  
- کار کودکان کمتر از ۱۳ سال در مدارس کشور ممنوع اعلام شود. این امر در قانون کار تجدید شود و قانون ضمانت اجرائی داشته باشد، تا کارفرمایان در صورت تخلف تنبیهات مجازات شوند

### کودکان و مسئله آموزش

علیرقم اعلام کرد رژیم مردم فریب‌پسین در مبارزه با بیسوادی، نسبت بیسوادان بسیار بالاست. فقدان شبکه گسترده آموزش هر سال بر تعداد بیسوادان میافزاید، همه ساله نیمی از کودکان امکان راه‌یابی بحدسه را ندارند، و از آن عده‌ای که بحدسه میروند، جمع کثیری، قبل از پایان رساندن دوره ابتدائی، به علت فقر خانواده، ترک تحصیل می‌کنند و اگر درخت باشند، ناگزیر بر تن بازوهای زودرس می‌دهند.

شماره‌ها در دهستانها در قیاس با جمعیت در دسترس نیست. دبستانها و دبیرستانهای موجود در اکثریت خود فاسد شدنی هستند. کودکان در اماکن کوچک قاعد نوز و آفتاب تشنگان می‌نشینند. حیاط مدرسه گاه حتی در شمال شهر تهران، چنان کمبخت است، که کودکان در زنگ تفریح فقط میتوانند کنار هم بایستند و امکان بازی و تفریح وجود ندارد. کتابخانه و زمین ورزش کمبخت است. فرهنگ استعماری هنوز بر کتابهای درسی مسلط است و زمینه روشن‌کودک باطل‌آلی انباشته میشود که به هیچ‌روستکیر زندگی فرای او نیست. بر محیط مدارس، در تضاد با فضای دموکراتیک پس از انقلاب، جو تفتیش عقاید حاکم است. وجود مدارس خصوصی، که ریشه در فرهنگ طبقاتی دارد، سلطه نابرابر آموزش پدید آورده است.

### حزب توده ایران برای تأمین حق کودک به آموزش پیشنهاد میکند:

- دوره آموزش ابتدائی، اجباری و رایگان اعلام شود.
- اخذ شهریه در مدارس سراسر کشور موقوف گردد.
- بساط مدارس خصوصی برچیده شود.
- شبکه دبستانها، راهنمای تحصیلی، دبیرستان و مدارس حرفه‌ای همتوان با جمعیت کودک و نوجوان، گسترش یابد، تا هر کودکی بتواند بر حسب استعداد و لیاقت خود، جای مناسب خویش را در سیستم آموزشی کشور پیدا کند.
- گذر آموزشی کافی از آموزگار و دبیر و مدیر و مربی کودک تدارک شود.
- به کودکان تمام خلفهای ساکن ایران، امکان داده شود تا به زبان مادری خود آموزش یابند.
- کتابهای درسی از نوشته‌های بگونه‌ای نوشته شوند که کودکان را با ساریخ راستین وطن خود با عشق و با اعتماد، آمیختگی و صلح و برادری پرورش دهند، احساس نوجویی را در آنان برانگیزد و وسیله تقویت فضیلت‌های انسانی باشد و نه رذیلت‌ها.
- آزادیهای دمکراتیک در تمام موسسات آموزشی رعایت شود.
- به ورزش کودکان، که عامل مهمی در سلامت تن و روان آنهاست، توجه ویژه مبذول گردد.

### کودک و حقوق خانواده

خانواده، این خردترین واحد جامعه، نقش اساسی در پرورش کودکان دارد. بدین لحاظ یک خانواده هم‌هنگام و سالم، که ضمت از رفاه نسبی هم برخوردار باشد، میتواند کودکان متعادل و برخوردار از سلامت روان به جامعه تقدیم کند. واحد خانواده از پدر و مادر و کودکان تشکیل میشود و بنابراین کودکانی که در خانواده‌های چند همسری پدید می‌آیند، صمیمیت و لال روحشان در شعله‌های نفاق و اختلاف می‌سوزد و با عقده‌های روانی یا به اصطلاح می‌گذارند. کودکانی که بر اثر فوت یا جدائی پدر یا مادر، بناچار سایه ناپدید و یا نامادری بر زندگی آنها سایه می‌افکند، کمبود محبت و وجود خشونت در روح مضموحشان اثرات نامساعد می‌گذارند.

حزب توده ایران پیشنهاد میکند که قانونی تحت عنوان، **قانون پاسداری از حقوق خانواده**، بر اساس برابری حقوق زن و شوهر تصویب شود و هر چه اجرا در آید. بخشی از این قانون را، که در پیوند مستقیم با زندگی کودکان است، میتوان بشرح زیر پیشنهاد نمود:

- انتخاب همسر و تصمیم به ازدواج از حیث اختیار پدر و مادر خارج و به پس و دختر عاقل و بالغ ورشید واگذار گردد، تا از وقوع ازدواج‌های نامتناسب جلوگیری شود و تعداد طلاق کاهش یابد.
- کودک همسری و ازدواج دختران کمتر از ۱۶ سال ممنوع اعلام شود.
- چند همسری، که عامل تباهی روح کودک و متضاد با شکوفائی متعادل شخصیت اوست، موقوف گردد.
- حق طلاق برای زن و مرد قانونی شناخته شود و امر طلاق به دادگاه صالحه ارجاع گردد.
- سرپرستی اطفال، چه در دوران ازدواج و چه پس از وقوع طلاق، در صورت احراز شرایط، به مادران واگذار شود.
- به مادران شاغل، در صورت گسستن پیوند ازدواج، حق اولاد پرداخت شود.
- برای تمهیل کار مادران شاغل، شبکه

### کودک و بهداشت خانواده

کودک از نخستین دقایق حتی‌الادای حقوقی است که جامعه موظف به رعایت آنست و بسا بدین چنان جوامعی در جامعه موجود باشد، که کودک بتواند از نظر جسمی و روانی بنحوی متعادل رشد کند. به همین جهت در جوامع فارغ از ستم طبقاتی، بهداشت و تغذیه و شرایط کار و زندگی مادر، از نخستین ماههای بارداری، زیر نظر دولت قرار می‌گیرد.

در ایران که نظام فئودالی و چالشین آن سرمایه‌داری وابسته، از عناصر جان زحمتکشان تغذیه کرده و میکند، هیچ نهاد دولتی و اجتماعی خود را موظف به پاسداری از زندگی کودکان نمی‌داند. بدینسان است که میبیم ایران یکی از بزرگترین ارقام مرگ و میر کودکان را دارد. شرایط توان‌سوز زندگی مادران زحمتکش چنان است که هزاران کودک شله حیاتشان یا نکرته، خاموش میشود و پس از تولد، در هر هزار نوزاد، ۹۰ تا ۱۲ نفر، قبل از یکسالگی، می‌میرند.

نسبت کودکانی که قبل از رسیدن به سن پنج‌سالگی در اثر ابتلا به بیماریهای گوناگون تلف میشوند، در ایران فوق‌العاده بالاست. خانه‌های غیر بهداشتی، لوئید کودکان مسموم در کنار تل‌های خاک و زخاک‌روبه و زندگی آنها در کنار گاو و گوسفند، بسک و کره و مسرغ و خروس در سراسر روستاهای ایران و با در محیط کثیف و آلوده کارخانه‌ها و کارگاهها، سوءتغذیه ناشی از فقر و حشمتناک خانوارها، فقدان مراقبتهای بهداشتی و شکم‌بارنه با بیماریهای کودکان، موجب شده که سالور مرگ، نهال زندگی صدها هزار کودک را قبل از پنج‌سالگی قطع کند.

### برای پاسداری از جان هزاران کودکی که باید از جهان ما و شادیهای آن سهمی داشته باشند، حزب توده ایران پیشنهاد میکند:

- با ایجاد شبکه درمانگاهها و زایشگاهها و بیمارستانها، با تأمین دارو و درمان رایگان برای همه اقشار و طبقات، مادران بساردار از سوی دولت تحت مراقبت بهداشتی قرار گیرند.
- اصل مصوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی تأمین اشتغال برای همه، تحقق یابد. برای تامل میان درآمد خانوارها و از میان برداشتن شگاف عظیمی که میان قطب ثروت و قطب فقر وجود دارد، طبق برنامه‌ریزی صحیح علمی، اقدام شود، تا حداقل رفاه مریز برای همه خانواده‌ها تأمین گردد، تا کودکان از بی‌غدائی تلف نشوند و از بیماریهای ناشی از سوءتغذیه در امان باشند.
- در راه تحقق اصل مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که تأمین مسکن برای همه خانواده‌هاست، گام اساسی برداشته شود، تا کودکان از بیماریهای ناشی از زندگی در خانه‌های غیر بهداشتی و بی‌عوله‌ها مصون بمانند.

### کار کودکان

جوامع مبتنی بر استثمار فسر از فرد، کودکان را به مثابه یکی از منابع عمده کسب سود مورد استفاده قرار میدهند. هزاران هزار کودک در سراسر روستاهای ایران از سن ۶-۵ سالگی در کنار پدران و مادران محروم و زحمتکش خود به کار چوپانی، علف چینی، جمع آوری هیزم، مراقبت از دام و طیور، آبیاری و غیره اشتغال دارند. کارگاههای قالی‌بافی، که به سرنگشتان ظریف کودکان نیازمندند، گورستان سلامتی و رشد و شادایی کودکان اند.

ساحبان این کارگاهها، کودکان را، گاه حتی قبل از تولد، پیش خرید می‌کنند، تا از سن ۳-۵ سالگی از نیروی کار آنها بهره‌گیرند. کارخانه‌های نجریسی، با اندام کوچک کودکان نیاز دارند، زیرا پایه‌های ماشینیهای نجریسی طوری تهیه شده است که بزرگسالان مجبورند چنین کار، باماشین، حشوند. در کوده‌های کارگاهها، کوچک صنایع دستی، کارگاههای آهنگری، کاشیها، آرایشگاهها، چاپخانه‌ها، کارخانه‌های بلورسازی و شیشه‌سازی، کوزه‌گریها، معادن و غیره، هزاران هزار کودک بجای آنکه تحصیل کنند، در شرایطی ظالمانه و غیربهداشتی، نیروی کار خود را در برابر مزدی ناچیز می‌فروشند. سرپرست دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تعداد کودکان کارگی کمتر از ۱۳ ساله را نیم‌میلیون نفر ذکر کرده است. ولی باید گفت، سر نظر از آنکه این رقم خود تاسف‌بار است، ولی تعداد کودکان شاغل، از این رقم به مراتب افزون‌تر است. زیرا این آمار مربوط بکودکان ۱۰ تا ۱۳ ساله شاغل است، در حالیکه در سراسر روستاهای

## نکاتی چند درباره:

# برنامه حل

**آیت‌الله‌خلخالی که برای رسیدگی به حوادث اخیر گنبد به آن منطقه رفته بود، ضمن گفتگویی چنین اعلام کرد:**  
**«ما زمینهای فئودالها را مصادره کردیم و شورای انقلاب و رئیس‌جمهور نیز به عمل ما صحنه گذاردند و دیگر در این منطقه فئودال و فئودالیسم رشد نخواهد کرد.»**

**برای حل مسئله حیاتی زمین به نفع دهقانان و خوش‌نشینان، زحمتکش باید با قاطعیت و اصولیت عمل کرد و مانع آنها پیشنهادها مشخص و عملی خود را در این مورد عرضه میداریم، بلکه چنانکه قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم، از همه اقدامهای مثبت و عملی که در این زمینه تاکنون شده و بشود، با خوشحالی استقبال میکنیم.**

**در همین حال ما عقیده داریم که چنین اقدامهایی برای آن که به نتیجه قطعی برسد و مسئله اساسی زمین را در گنبد حل و فصل کند و دسیسه‌ها و اقدامات ضدانقلابی را در این منطقه ریشه کن سازد، باید در چارچوب یک برنامه‌ریزی اساسی، همه جانبه و هماهنگ صورت گیرد.**

**در رابطه با چنین اصلی است که مادر جریان فتنه انگیزی اخیر ضد انقلاب در گنبد، خطوط کلی و اصولی برنامه‌ریزی ارضی و دهقانی خود را در این منطقه بر اساس مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با در نظر گرفتن ویژگیهای منطقه، در شماره ۱۷۱ «مردم»، مورخ سی‌ام بهمن ماه ۵۸، اعلام کردیم.**

**اینک، با توجه به اهمیت و اولویت این مسئله مهم، و برای تکمیل و تاکید اصولی که قبلاً گفته شد، نکاتی را مشخص‌تر متذکر میشویم، تا در طرح و اجرای برنامه‌های مورد نظر ملحوظ گردد:**

شود. این سازمان از نظر مالی، فنی و مدیریت باید با تمام قوا تکمیل شود. در مورد آن قسمت از اراضی و تأسیسات، که خارج از شمول مالکیتهای دولتی است، ملاحظاتی زیر باید مورد توجه قرار گیرد.

### در باره مصادره و تصرف قبلی اراضی زراعی گنبد

مصادره و تصرف زمینهای کشاورزی و همچنین تصدیت نظر در اقدامهایی که تاکنون صورت گرفته، باید با توجه به جنبه‌های اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی انجام پذیرد و در هر مورد با ساجلب نظر نمایندگان روستائیان هر محل باشد.

- ۱- همه زحمتکشان روستایی - اعم از ترکمن، زابلی، بلوچ و سایر گروههای محلی و غیر محلی مشغول به کار کشاورزی در این منطقه - در مالکیت زمین و تأسیسات کشاورزی و دامداری و بهره‌برداری از آن سهم و ذینفع باشند.
- ۲- برای آن عده از زحمتکشان صاحب‌زمین، که شخصاً در سازمان زراعی خود کار نمی‌کنند - اعم از محلی و غیر محلی - که قادر و آماده باشند بر اساس ضوابط معین و قابل‌کنترلی در بخش خصوصی فعالیت کنند، حداکثر تا ۳۵-۴۵ هکتار، از زمینهای ملکی خودشان منظور گردد و مازاد بر آن، زمین‌ها تحت هر شرایط و ضوابطی که دولت صلاح و مقتضی بداند از زمین این عده از زحمتکشان خارج و به سود زحمتکشان مصادره شود.

در مورد هر یک از دو اصل فوق، توضیح مینماید:

### تکمیل می‌دادند. شصت درصد ضایعات گنبد که انتصاب شده‌اند، جدید هستند. بیش از یک سوم نمایندگان زن هستند.

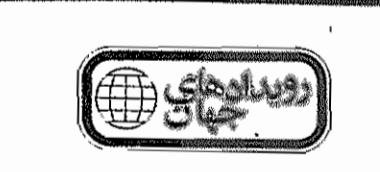
**کارگران افغانستان برای مقابله با ضد انقلاب مسلح میشوند**  
کارگران کابل برای مقابله با توطئه‌های امپریالیستها و ارتجاع داخلی مسلح میشوند. از جمله در کارخانه اتومبیل سازی جنگلک در کابل، که کارگران آن همواره در گذشته در مبارزات دمست جلو بوده‌اند، مسلح میشوند. نخستین گروه‌های مسلحی از این کارگران مسلح شده‌اند و آماده‌اند که از تأسیسات کارخانه

شهر خوارگاهها و کودکستانها در جواد محل کار ایجاد شود.  
- برای تأمین سلامت کودکان، به مادران شاغل مرخصی قبل و بعد از زایمان با استفاده از حقوق داده شود و محل شغل مادر محفوظ بماند، - حق تفریح و استراحت، از حقوق خانواده محسوب شود،  
- به خانواده‌های پر اولاد کمک‌معاش پرداخت شود.  
- خرید و فروش کودکان در سراسر کشور ممنوع اعلام شود.

**کودک و ناهنجاریهای اجتماع**  
بزرگ به ۶-۷ سال سلطه نیک‌بار خاندان پهلوی، نسج جامعه را فساد و انحطاط آورد، که زندگی کودکان نیز از تأثیر آن در امان نمانده است. علاوه بر این فقر و کمبود، از دست دادن

### مجتمع کشاورزی اسلامی گران و دشت و مالکیت‌های ارضی دولتی

این مجتمع بعنوان یک سازمان دولتی مسئول باید از نظر اداری، مالی و فنی تقویت و وسایل تجهیز گردد و قلمرو مسئولیت آن تمام اراضی کشاورزی منطقه، که باید در مالکیت دولت باشد، بسط یابد. مجتمع مذکور، که به حکم ضرورت و بنا بر تصویب شورای انقلاب تأسیس شده و باید اداره و بهره‌برداری کلیه اراضی و تأسیسات کشاورزی و دامداری متعلق به خانواده پهلوی و وابستگان کثوری و لشکری و نظایر آن را بعنوان زمینهای کشاورزی متعلق به دولت عهددار گردد، هنوز در آنچنان موقعیتی نیست که بتواند فعالیت خود را در مورد همه اینگونه تأسیسات بسط دهد و آنها را در عملاً و رسماً اداره کند. شرایط سیاسی خاص منطقه، ناهنجاری و عدم همکاری دستگاههای مسئول، وجود سازمانهای مختلف، که به رقابت با این مجتمع نسوا بر خاسته‌اند، تعداد وظایف و مسئولیتهای بالاخره کم تجربی و ضعف نسبی این سازمان از نظر اداری، فنی و مالی، بخصوص فراهم نبودن ادوات و لوازم کشاورزی ضروری، همه و همه، کمبودها و نارسائیهای را بوجود آورده‌اند، که باید در طرف‌گردن آنها پیش‌انگیزی کوشید تا یک سازمان نیرومند و مؤثر و کارا و شایسته اداره و بهره‌برداری از این تأسیسات بسود جمهوری اسلامی ایران، کارگران و کارکنان کشاورزی وابسته به آنها و تقویت اقتصاد کشاورزی بدل



### انتخابات اتحاد شوروی با موفقیت پایان رسید

انتخابات پارلمان‌های جمهوری‌های متحد و خود مختار و ارگانهای محلی اتحاد شوروی بر گزار شد و نتایج آن، اعلام گردید. در این انتخابات بیش از دو میلیون و دویست هزار نفر نامزد نمایندگی شده بودند. اکثریت بزرگ نامزدها را کارگران، دهقانان و روشنفکران

پدر و مادر، قسری از کودکان را به امان جرم و جنایت خود داده است. کودکانی که به ناله‌های فاجع، دزدی و جیب‌بری و گدائی افتاده‌اند، از این زمره‌اند. رواج فیلمهای سینمایی و تلویزیونی فسادگش، که انبادهای از رذیلت‌هاست، باطل و گمراه کننده روزنامه‌ها و مجلات طاغوتی، همه روزه در گسترش فساد مؤثر بوده‌اند.

**بلوچ‌ها و زابلی‌ها**  
زحمتکشان روستایی ترکمن مسئله درود ما بسارها نظر خود را در مورد حق و زمین با آنها اعلام داشته‌ایم. اما وقتی از روستائیان غیر ترکمن سخن می‌روید، بطور عمدت توده‌های زحمتکش و مستعبد و محروم بلوچ و زابلی عموماً «سیستانی» خوانده میشوند - مو قرا در میگیرند.  
بدهی است در مورد اصل پرس خود مشارکت در مالکیت زمین، خراسانی‌ها، آذربای، مازندران‌ها و نیز سایر گروههای مهاجر شاغل در روستاها نیز در نظر هستند. جمعیت زابلی‌ها و بلوچ‌ها در ترکمن دویست هزار نفر تخمین می‌زند. اینان حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر و بعد از آن بیست و پنج سال، این طرف، به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. تمام روستاهای منطقه، چه ترکمن‌نشین و ترکمن‌نشین، و در سازمانهای زراعی بر آن کار این زحمتکشان روستایی در درجه اول کاری است و در این راه تجربیات ذیقیمت اندوخته‌اند و بحق و احیاء و آبادانی و این منطقه به بهترین منطقه کشاورزی سهم بسزایی داشته‌اند.  
در سال گذشته، در شرایط بیرونی ایران و لزوم طرد بزرگ مالکی، که روستا ترکمن در منطقه ترکمن‌نشین اقدام به زمینهای زراعی کردند، و بخصوص در سال در فصل کشت‌کند، اکثر زمینهای زراعی، به وسیله روستائیان ترکمن زیر کشت‌کند، که متأسفانه زحمتکشان زابلی و بلوچ در جریان اکثر کتار نهاده شدند و از بهره‌برداری زمینهای زیر کشت‌کند، بی‌نصیب ماندند. این توده زحمتکش، بپیر از این زمینهای زراعی زیر نظر مجتمع کشاور اسلامی کار میکنند، و پیر از تعدادی از آن در یکی دو ماه اخیر مبادرت به تصرف زمینها قبلاً روی آن کار میکردند، نمودند، اکثر آن زمین و وسایل کشت و کار ندارند و از کوچک و ابتدائی‌ترین امکانات رفاهی و سکونتی هم شده‌اند، بلکه حتی چیزی برای خوردن در داخل ندارند و بدتر از آن آینده‌ای هم برای خود نمی‌بینند.

لذا در این مورد تجدید نظر در چگونگی زمینها باید متوجه این هدف اصلی باشد که سازمانهایی که آنها قبلاً کار میکردند، از زمینهای مصادره شده یا در هر محل دیگری، هم در مالکیت مشارکت داشته باشند و به جمعیت و بطور شجاع و بشکرت، مالکیت تمام زمین و وسایل کشت و امکانات فنی و مالی در اختیار آنها گذاشته شود و هر گاه در تمام یا قسمتی از آن مورد واگذاری به این زحمتکشان قبلاً که با محصول دیگری کشته شده باشد، ایشان پرداخت به زمینهای انجام شده، کشتار، درم برداشت، به مضمون قبلی قبل خواهند نمود. در زمینه حل مسئله زمین در این منطقه، عیار از توجه به همه زحمتکشان روستایی، جلوگیری از تفرقه دهقانان و تبعیض و تمسین بر خورد

دفاع کنند. شورای مسلح کارگران اعلام است، «حالا که امپریالیستها با استفاده از اعتراضات داخلی تلاش خود را برای ضربه زدن به انقلاب دوچندان کرده‌اند، کارگران نیز نسبت گرفته‌اند و قاطعانه برای خنثی کردن این توطئه وارد عمل شوند.»

**کمکهای فنی و فرهنگی کودکان به نیکار آگوه**  
«بازارگاه» ارگان جنبه آزادیبخش دینیهست که گزارش داد که کوبا با اسام ۵۰ میلیون دلار به نیکار آگوه کمک خواهد کرد. این روزنامه نوشت:

پدر و مادر، قسری از کودکان را به امان جرم و جنایت خود داده است. کودکانی که به ناله‌های فاجع، دزدی و جیب‌بری و گدائی افتاده‌اند، از این زمره‌اند. رواج فیلمهای سینمایی و تلویزیونی فسادگش، که انبادهای از رذیلت‌هاست، باطل و گمراه کننده روزنامه‌ها و مجلات طاغوتی، همه روزه در گسترش فساد مؤثر بوده‌اند.

## الغای بزرگ مالکی نیاز مبرم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطئه‌گر،

# مسئله زمین در گنبد

## بهر برداریهای خصوصی

مسئله زمین در گنبد، یکی از مسائل اساسی و حیاتی است که در پی اصلاحات ارضی و تأسیسات کشاورزی تمام زمینداران را درگیر کرده است. با کار روی زمین بیگانه‌اند، این مسئله مورد توجه قرار میگیرد که در این زمینه از زمینداران کسانی را میتوان یافت که قطعی‌الاهای متضاد خودشان هم در زمین کار کرده و لااقل از نظر مدیریت و برنامه‌ریزی تجاری، ندرت داشته‌اند. بسیاری از این گونه «کشکداران» شرط آنکه به کار شخصی خود روی زمین ادامه دهند، میتوان - آنطور که هیئت اخیر اعلام کرده - حداکثر ۵ هکتار از زمینشان را از صافه مصادره مدیریت و برنامه‌ریزی تجاری سوب قبلی خود را، که ۳۵ هکتار بود، برگزید و البته بعداً دقیقاً باید مشخص کرد که این مقدار چند هکتار است و چند هکتارش به م باشد. این معافیت که باطل توجه به اقتصاد ملی و لزوم داشتن تولید کافی است، بشرط آنست که طبق ضوابط معین این کشکداران خصوصی نهاد شوند از تجربه و تخصص خود سایر زمینداران را برخوردار سازند و ماشین‌ها و سایر کشاورزی خود را در اختیار آنان قرار دهند. مازاد بر حد نصاب، باید مصادره شود. مگر بهره‌برداری خصوصی باید زیر نظر وزارت رعی و در همکاری با تعاونی‌ها عمل کند.

## دورنمای کشت و بهره‌برداری از زمین

دورنمای کشت و بهره‌برداری از زمین هنوز روشن است. یک تخمین اجمالی نشان میدهد که با همه تلاشهایی که شده، در زمین‌های دشت کهن هنوز بیش از ۵۰ درصد اراضی قابل کشت بومیه و نباتات روغنی بدون کشت نشده است. در مورد کشت و بومیه، که از بیشترین محصولات منطقه است، بیشتر توضیح بدهیم:

## گندم

فقدان پاکبوم و نقص وسایل و ماشین‌های کشاورزی که در اختیار کشتزار است، نارسایی، نامرغوبی بذر موجود، کمبود بذر اصلاح شده، عدم استعمال کودهای شیمیایی در زمین‌های کشتزار، نداشتن تجربه کافی در مدیریت و نامرغوبی، و بالاخره بی‌برنامگی، ناهماهنگی کشتی که در گنبد وجود دارد، تصرف زمین در کاربوم، به اینها موجب شده که گندمکاری در بسیاری از مناطق ناقص و نارسا و احیاناً نسیاضی انجام شود. در مواردی دهقانان ترکمن که به حدی بی‌بند و اختیارند، اجباراً خود را به این عملی کردن که در واقع، کمتر از میزان لازم معمولی بذر بپاشند، ناامیدتری داشته باشند. در هر حال تلاشهای شیانوردی بسیاری

یکارفته و دهقانان ترکمن تا آنجا که مقدورشان بوده در زمینها گندم کاشته‌اند. اما اگر به موقع کودسرد در دسترس دهقانان قرار نگیرد، اگر هر چه زودتر مشکلات و نارسائی‌های مربوط به آب، ترمیم خرابی‌های چاه‌های موجود، رفع نقایس از نظر موتور و تلمبه و وسایل بومی بر طرف نشود و اگر وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی و حمل و نقل مورد احتیاج، بویژه به هنگام جمع‌آوری محصول - در اختیارشان نباشد و بالاخره اگر دستگاه‌های مسئول به موقع در کار درو یا استفاده از کمباین و حمل و نقل و غیره به این زحمتکاران کمک نکند، تلاش دستچشمی صدها هزار بازن، که میتوان به سهم خود به انقلاب ایران رونق بخشید، نتیجه مطلوب به بار نخواهد آورد. این حقیقت از هم‌اکنون باید مورد توجه سازمانهای مسئول قرار گیرد.

## پنبه

چنانکه اشاره شد، در جریان تصرف و کشت اراضی زمینداران بزرگ، در مناطق عمده کشت، با کمالات تأسیس بین دهقانان ترکمن از یک طرف و بلوچها و زابلی‌ها از طرف دیگر افتراق و دوگانگی ایجاد شد. دهقانان ترکمن با شتاب به کشت گندم پرداختند و اکثر آنها آماده کردن زمینهای مختص کشت پنبه اعتنائی نداشتند. از این رو در عمل در برابر هم نچیران خویش قرار گرفتند. این وضع موجب شده که آمساده کردن زمینها جهت کشت سایر نباتات صعب، به استثنای سازمانهای زیر نظر مجتمع کشاورزی اسلامی و برخی قطعات در گوپایه، حداقل در این دوره کشت، از برنامه حذف شود یا به تألیف بماند.

در منطقه وسیع و حاصلخیز کرگان و دشت، که محصول پنبه تصفیه شده آن از دو سوم محصول پنبه کل کشور تجاوز می‌کند (حدود ۹۵ هزار تن از ۱۳۵ هزار تن کل محصول کشور در سال ۵۷) در سال جاری بدلیل وجود بعضی نارسائی‌ها و ناهماهنگی‌ها مواجه با کاهش قابل ملاحظه‌ای گردید و در صورتی که این وضع ادامه یابد، در سال آینده انتظار برداشت محصول قابل ملاحظه‌تر نسبت به این میزان داشته باشیم و چنانکه در دفع مشکلات مربوط به کشت بومیه پنبه سرما اقدام نگردد، زندگی و معیشت حدود ۲۰۰ هزار بلوچ و زابلی با خطر بیکاری و گرسنگی مواجه خواهد شد و اقتصاد منطقه و انقلاب ایران دچار دشواری و خطر خواهد گردید.

پیشنهادی که پیش از این در باره تخصیص زمین به دهقانان زحمتکش بلوچ و سیستانی ارائه شد و مآلاً به احیای پنبه‌کاری در منطقه منجر خواهد گردید، برای پیشگیری چنین خطراتی است. ضمناً ذکر این نکته هم ضرور است که اگر جداگانه تا اواسط اردیبهشت سال آینده ترتیب این کار داده نشود، فصل بومیه پنبه‌کاری از دست خواهد رفت، یعنی مسئله مالکیت زمین مشارکت رحمتکشان روستائی و کشت پنبه باید هر چه زودتر به مثابه یک مسئله مردم حل گردد.

از نقشه‌های حواری شایعات را منتشر میکند. عبدالفتاح اسماعیل همچنین اعلام کرده که تشکیل به اصلاح محور افغانستان - اتیوپی - یمن جنوبی نیز از جمله همین ابتعایل امپریالیستی است.

## کشورهای سوسیالیستی در سازمان ملل متحد سیاست صهیونیستی اسرائیل را محکوم کردند

نمایندگان کشورهای سوسیالیستی در اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد، که برای رسیدگی به حقوق بشر و سرکوب خلق فلسطین بوسیله اسرائیل تشکیل شده بود، شدیداً سیاست های صهیونیستی اسرائیلی را محکوم کردند. نماینده جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سخنان خود در رفتار و چشمانه اسرائیل را در سرزمینهای اشغالیه که با حمایت آمریکا صورت می‌گیرد، دهنشانه خواند. نماینده اتحاد شوروی نیز گفت که اسرائیل تنها با کمک امپریالیسم آمریکاست که سرزمین اعراب را اشغال کرده است. نماینده شوروی یادآور شده که واشنگتن تاکنون فلسطین‌های مخالف سیاستهای اسرائیل را توتو کرده است.

## تظاهرات دانشجویان کنیا علیه سیاست دولت کنیا درباره استقرار پایگاه آمریکا در این کشور

دانشجویان کنیا مخالفت خود را با سیاستهای رژیم این کشور که تصمیم گرفته است پایگاه نظامی در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار دهد، افزایش داده‌اند و دانشجویان دانشگاه شهر نایروبی علیه سیاستهای داخلی و خارجی دولت کنیا تظاهرات بزرگی برپا کردند. دولت کنیا که ناچار شده است

## شوراها و تعاونی‌ها

در شرایط کنونی روستاهای منطقه ترکمن صحرا، اداره و بهره‌برداری مطلوب ازاراضی و تأسیسات کشاورزی بدون استقرار نظام شورائی امکان پذیر نیست. در این رابطه تجربه‌ای که دهقانان ترکمن و اخیراً دهقانان خوش‌نشین زابلی و بلوچ در بعضی از واحدهای زراعتی در تشکیل و اداره شوراهای محلی طی یکسال اخیر به دست آورده‌اند، نمی‌تواند مورد توجه جدی قرار گیرد. با این همه، تجدید نظر در امر تشکیل این شوراهای و نحوه کار آنها، وظیفه‌ای است فوری که با اولویت خاص باید اجرا شود. این تجدید نظر هدفهای اساسی زیر را می‌تواند دنبال کند:

۱- مردمی کردن شوراهای موجود، یعنی تجدید انتخابات اعضای شوراهای در محلی آباد، در شرایط دموکراتیک و برادری آزاد مردم هر محل.

۲- تعیین نظام شورای در هر محل، به صورتی که عناصر غیر ترکمن نیز با شرایط مساوی، از امتیازات نظام شورائی و از حقوق حاکمیت محلی خود برخوردار گردند. این کار ممکن است به دو صورت تحقق یابد:

الف - در محدوده هر «واحه» (روستا) بین ترکمن‌ها و عناصر غیر ترکمن - بطور عمدتاً بلوچها و زابلی‌ها - هم‌زیستی و همیاری مبتنی بر برابری برقرار شود و شورائی مشترک بر کسب نمایندگان همه افراد واحه‌ای - به نسبت جمعیت، تشکیل گردد.

ب - در غیر این صورت، راه‌حلی که به نظر میرسد این است که در صورت جدائی زمین‌داران و کشت‌وکار، هر یک از دو طرف، در محدوده بهره‌برداری خود، شورائی خاص خویش را بوجود آورند و این شوراهای در زمینه‌های مشترک و برای تأمین هماهنگی، همکاری لازم را معمول کنند و زمینه را برای تفاهم هر چه بیشتر و همکاریهای وسیع‌تر آتی فراهم سازند.

۳- وظایف شورائی، بر اساس برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، به صورتی تکامل یابد که ضمن نظارت بر کار بهره‌برداری‌ها از جمله واحد‌های خصوصی ۴۵-۵۰ هکتاری و کمتر، امر بهره‌برداری از اراضی و تأسیسات کشاورزی محدود خود را بتدریج و به اقتضای شرایط و با رعایت اصل دلاولی تولید کنندگان، در مسیر ایجاد تعاونی‌ها تولید فرار دهد و زمانی آنرا استحکام بخشد و نیز کار تعاون را در زمینه‌های اعتباری، مصرف و فروش تعیین دهد و گسترش بخشد. شوراهای امور روستاها و بخشها به شوراهای منتخب روستاها و بخشها سپرده شود و یک سازمان مجهز و مستقر در مرکز منطقه در امر برنامه‌ریزی و اعطای کمکهای فنی و اداری و اعتبارهای مالی رخدسات وظیفه اساسی پیشبرد کار این شوراهای را عهده‌دار گردد.

بمخالفت دانشجویان اعتراف کند، گفته است که تظاهرات کنندگان به خاطر «غذا» (۱) دست به تظاهرات زدند. دولت کنیا در پی گسترش تظاهرات، دو نشگاه نایروبی را برای مدت نامعلوم تعطیل کرده است.

## مبادله سفیر میان مصر و اسرائیل بدستور آمریکا صورت گرفته است

روزنامه‌های عربی، همچنان تفسیرهای افشاءکننده‌ای در مورد مبادله سفیر میان مصر و اسرائیل منتشر میکنند. از جمله روزنامه کویتی «الرای‌الماء» نوشته که اگر کشورهای عربی بپذیرند که دموود این اقدام زورم‌سازان و اکتش نشان ندهند، بزرگ صهیونیستها بزودی در یک کشور دیگر عربی نیز برافراشته میشود. روزنامه‌های بیروت بویژه خود اعلام کرده‌اند که مبادله سفیر میان مصر و اسرائیل بدستور امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است و آمریکا بدین ترتیب از یک سو، بکند رژیم سرسپرده‌سادات مصر را از حمله اعراب جدا کرده و از سوی دیگر کشورهای عرب بویژه سوریه و فلسطین‌ها را زیر فشار قرار میدهد.

## اعتراض مردم به سیاست دولت ترکیه در پیروی از آمریکا گسترش مییابد

اعتراض به سیاست دولت ترکیه، که پیش از این این کشور را به دسامان امپریالیسم آمریکا می‌انداخته، بالاگرفته است. در چند روز گذشته بسیاری از نمازگاههای شهرهای بزرگ، از جمله نمازگاههای شهرهای ازمیر و استانبول به عنوان اعتراض به خطمشی کشور بپایه سلیمان دمیرل، تعطیل شد و نزد خودهای جدیدی میان کارگران و مأموران پلیس روی داد. انزوی دیگر اوضاع اقتصادی ترکیه در روز بروز وخیم‌تر میشود و تورم و بیکاری در کشور به گونه‌ای است، بقیه آسرایش یافته است.

# اخبار دهقانی

## باید حق به حق دار و زمین به دهقانان برسد

# وظیفه مبرم داد گاههای انقلاب و سایر نهادهای انقلابی

دردوران رژیم شاه مخلوع تازیانه بی‌عدالتی‌ها از هر سو برگزیده دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین فرود می‌آمد. انقلاب شکوهمند ما خط پیلان بر بسیاری از قراردادهای غیر انسانی سابق کشید و نه تنها موقعیت بزرگ مالکان را تضعیف نمود، بلکه زمینه را برای رساندن حق به حقدار و زمین به دهقانان، آنطور که نیاز انقلاب است، آماده کرد. ولی از آنجا که اصلاحات ارضی به شیوه دموکراتیک و بنحوی بنیادی برفع تبعیضات روستاها هنوز قاطعانه به مرحله عمل در نیامده است، زمینداران بزرگ می‌کوشند تا با توسل به هر شیوه ممکن، باریگر دورا برپاشند سابق خود بچرخانند. اخبار و شواهدی که از روستاهای مختلف میرسد، نمونه‌ایست از فعالیت‌های زمینداران بزرگ، که پایگاه اجتماعی ضد انقلاب و خصم سوگند خورده زحمتکشان و انقلاب ماستند و می‌کوشند بین منافع خود و دستاوردهای انقلاب دیواری ضخیم بکشند.

خود، منتظر رای عادلانه دادگاهها هستند و امیدوارند در پروتو دستاوردهای انقلاب و نیاز ضروری کشور به کشت هر چه بیشتر و تولید فراوان‌تر بتوانند قدمی در راه بهبود شرایط زندگی خود و تولید کشاورزی کشور بردارند.

روستائیان دهقانات سالهاست سوابق درخشانی در مبارزات دهقانی علیه زمینداران بزرگ و خانهای محلی دارند و بارها بطور دسته‌جمعی در زندانبانی رژیم شاه مخلوع با عدالت نوع آریاسری آشنا شده‌اند. این روستائیان بار دیگر ناچار شده‌اند در برابر سیاست شیطنی بزرگ مالکان و ستم زمینداران بزرگ ایستادگی کنند. اخیراً ۱۲۶ نفر از روستائیان دهقانات برای دادخواهی به دادگاههای شیراز مراجعه کردند. روستائیان دهقانات خواهان طبعی ترین حق خود، یعنی کار و کشت و زمین هستند. انگیزه شکایت روستائیان در این خلاصه میشود که مالکین ده حدود ۵۰۰ هکتار ازاراضی آن را به تصرف خود در آورده‌اند. مالکین بزرگ بعد از تصرف زمین‌ها، که از نظر مرغوبیت و آب بسیار ممتاز است، آنها را رها کرده و حتی یک بزهم در آن نکاشتند. بوند. یکی از این مالکین، که خود از هتل‌داران شیراز است، بعد از انقلاب همچنان مانند گذشته، با توسل به انواع حیل و امان نفوذ، سعی میکند زمین‌ها را دست نخورده و بایر حفظ کند. همه کس سندانگه فقط عوامل فساد انقلابی از چنین عملی که کاهش تولید را بدنبال دارد، سود می‌برند.

روستائیان دهقانات با شکایت به دادگاه طالب زمین و کار هستند. آنها نمیتوانند مانند گذشته ضوابط ملاغوتی را تحمل و عملاً فقر و بیکاری خود را تأیید نمایند.

• در دوران سیاه شام مخلوع، ۲۳ نفر از دهقانان باغون کوار بزرگ ۱۹۰ هکتار از ۲۳۰ هکتار زمین‌های مالک بزرگ ده کار می‌کردند. این زمین‌ها در اجازه دوفر بود و بدین ترتیب روستائیان بایک استثمار مضلف روبرو بودند. بر این سنا ۱/۲ از محصول چغندر و یک پنجم از محصول گندم را برای ادامه زندگی قترانه خود دریافت میکردند و بقیه محصول به جیب واسطه‌ها و مالک سرزیر می‌شد. بعد از انقلاب، روستائیان بنابه حکم دادگاه شیراز، زمین‌ها را در اختیار گرفتند و موفق شدند ۴۰٪ محصول چغندر را برای خود اختصاص دهند، ولی با احتساب هزینه تولید و برداشت، که به عهده خود دهقانان است، آنچه برای دهقانان می‌ماند، بگفته خودشان، بیشتر از درآمد یک کارگر کشاورزی نیست. معذالک مالکین حتی تحمل این «آب باریکه» را ندارند و می‌کوشند با اعمال مجدد بیزر استثمار شدید بکشند. دهقانان باغون کوار مقاومت میکنند و امیدوارند با حمایت دستگاههای اجرایی، حقوق ناچیز خود را حفظ نمایند. مسئله زمین و بهره‌کشی بیرحانه از دهقانان در اینجا هم مسئله‌ای حاد است.

• مالکین روستای دهشیب ارافع در ۱۸ کیلومتری کوار در استان فارس اخیراً روستائیان این ده را به دادگاههای شیراز کشانده‌اند. مالکین با توسل به عوامل خود در دادگاهها می‌کوشند بار دیگر توطئه‌ای علیه دهقانان ترتیب دهند و زمینهای این روستا را بچنگ خود آورند. روستائیان این ده بعد از انقلاب، بفرمان امام و با دریافت مجوز قانونی توسط دادگاه، زمینهای ده را بیزر کشت آوردند و برای پاسخ‌گویی به نیازهای خود و کشور تمام نیروی خود را جمع کردند و در خدمت تولید قرار دادند. مالکین برای اینکه آب از دست رفته را ببار دیگر بجوی خود برگردانند، با طرح شکایت قانونی، می‌کوشند مانند زمان ملاغوت عمل کنند و مانع ادامه کشت و کار روستائیان میشوند. ولی روستائیان با آگاهی خود، تفاوت زمان را درک کرده‌اند و میگویند:

• مالکین روستای دهشیب ارافع در ۱۸ کیلومتری کوار در استان فارس اخیراً روستائیان این ده را به دادگاههای شیراز کشانده‌اند. مالکین با توسل به عوامل خود در دادگاهها می‌کوشند بار دیگر توطئه‌ای علیه دهقانان ترتیب دهند و زمینهای این روستا را بچنگ خود آورند. روستائیان این ده بعد از انقلاب، بفرمان امام و با دریافت مجوز قانونی توسط دادگاه، زمینهای ده را بیزر کشت آوردند و برای پاسخ‌گویی به نیازهای خود و کشور تمام نیروی خود را جمع کردند و در خدمت تولید قرار دادند. مالکین برای اینکه آب از دست رفته را ببار دیگر بجوی خود برگردانند، با طرح شکایت قانونی، می‌کوشند مانند زمان ملاغوت عمل کنند و مانع ادامه کشت و کار روستائیان میشوند. ولی روستائیان با آگاهی خود، تفاوت زمان را درک کرده‌اند و میگویند:

• در دوران سیاه شام مخلوع، ۲۳ نفر از دهقانان باغون کوار بزرگ ۱۹۰ هکتار از ۲۳۰ هکتار زمین‌های مالک بزرگ ده کار می‌کردند. این زمین‌ها در اجازه دوفر بود و بدین ترتیب روستائیان بایک استثمار مضلف روبرو بودند. بر این سنا ۱/۲ از محصول چغندر و یک پنجم از محصول گندم را برای ادامه زندگی قترانه خود دریافت میکردند و بقیه محصول به جیب واسطه‌ها و مالک سرزیر می‌شد. بعد از انقلاب، روستائیان بنابه حکم دادگاه شیراز، زمین‌ها را در اختیار گرفتند و موفق شدند ۴۰٪ محصول چغندر را برای خود اختصاص دهند، ولی با احتساب هزینه تولید و برداشت، که به عهده خود دهقانان است، آنچه برای دهقانان می‌ماند، بگفته خودشان، بیشتر از درآمد یک کارگر کشاورزی نیست. معذالک مالکین حتی تحمل این «آب باریکه» را ندارند و می‌کوشند با اعمال مجدد بیزر استثمار شدید بکشند. دهقانان باغون کوار مقاومت میکنند و امیدوارند با حمایت دستگاههای اجرایی، حقوق ناچیز خود را حفظ نمایند. مسئله زمین و بهره‌کشی بیرحانه از دهقانان در اینجا هم مسئله‌ای حاد است.

## با انجام هر چه سریعتر اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین باید مسئله ارضی را بطور بنیادی و برای همیشه حل کرد. تا دست مالکان بزرگ و توطئه‌گر از دهنات ما کوتاه و کشاورزی ایران شکوفا و محصولات زراعی و دامی ما روزافزون شود. دهقانان بحق منتظرند که دادگاههای انقلاب و سایر نهادهای انقلابی جانب آنها را بگیرند و کوشش متحقی بحق‌دار و زمین به دهقانان برسد و روستاهای ما روی آبادانی و رفاه و خوشی را، آنطور که شایسته انقلاب ماست، ببینند.

## موضع ضد امپریالیستی و خلقی حزب توده ایران بیش از پیش شناخته میشود

موضع قاطع ضد امپریالیستی و خلقی حزب توده ایران اینک بر همگان روشن شده است. یکی از اعضای حزب توده ایران، که اخیراً حین بخش اعلامیه دستگیر شده است، در این مورد می‌نویسد:

«روز شنبه ۱۳ بهمن‌ماه، هنگام بخش اعلامیه بایکی از مأموران کمیته میدان‌غار برخورد کردم و بالاخره به کمیته غار رفتم. در دفتر کمیته افراد زیادی نشسته و گرم صحبت بودند. وقتی ما وارد شدیم آنها جریان را دهرسیدند. من جواب دادم: «من در حال بخش اعلامیه قانونی و آزاد حزب توده ایران بودم که بر اثر سوءتفاهمی که پیش آمد، با این برادر به کمیته آمدیم. اگر کار

# حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین مصممانه پشتیبانی میکند

# اخبار کارگری

## در کارخانه اپران الکتریک رشت

کارخانه ایران الکتریک رشت یکی از کارخانه‌های بزرگ تولید وسائل الکتریکی از قبیل پمپ، کلید، پرین و... است. این کارخانه قبلاً متعلق به لنگرانی بود اما پس از انقلاب اوبخارج فرار کرده و کارخانه با مدیریت دولتی اداره میشود. اخیراً این کارخانه تماماً دولتی شد و کارگران از این بابت بسیار خوشحالند. اما سرپرستی قسمتهای مختلف عموماً همانهایی هستند که قبلاً هم بودند. مثلاً سرپرست قسمت تیرکاری شخصی است بنام مهدی آقا. این شخص قبلاً چماق‌بندست لنگرانی و اعوان و انصارش بود. حالا پس از فرار لنگرانی، او هنوز معتقد است که وضع دوباره عوض خواهد شد. او یکوقت در اطراف سرپرست‌ها در حضور چند نفر گفت: «بالآخره به روز دوباره وضع عوض میشه، دودرزه نوبت ما میرسه، آفتوت دلماری از روزگار اینها (منظور کارگران) در بیارم خوششان کیف کنند».

حدود یکماه و اندی پیش قسمت کانتینر، بنا به ترغیب همین سرپرست‌ها اعتصاب کرد. در این مدت که نسبتاً طولانی هم بود، کارگران از داشتن يك وعده غذای گرم محروم بودند. و این موضوع خیلی آنها را عصبانی و ناراضی کرده بود. تا اینکه بزور اعتصاب را شکستند. حتی گفته میشود (یکی از کارگران گفت) که کارکنان اعتصابی کمک هم خوردند. سرپرست‌ها بر کار کارگران اصلاً نظارت نمی‌کنند. و فقط نمایندگان کارگران را که مورد اعتماد آنها هم هستند، تحت فشار قرار میدهند و میگویند که آنها باید تعداد مشخصی از جنس را آماده کنند. به اصطلاح کارگران، فقط از نماینده‌ها تعداد میگیرند. روزهایی که برف و باران میبارد سرپرست‌ها بهانه اینکه در مسیر انبار، که در محوطه کارخانه است، تا محل کارگاه جنسها خیس خواهند شد، از رساندن مواد اولیه و بوقول کارگران مواد طفره میروند و باین کارشان ساعتها کارگران را بیکار نگه میدارند. تا اینکه کارگران برای آوردن مواد اولیه اقدام میکنند. لازم به یادآوری است که جنسها درون جعبه‌های چوبی سربسته حمل میشوند، نه نقوایی و خیس نمیشوند. چندی قبل یکی از سرپرستهای زن مورد اعتراض شدید کارگران واقع شد و مهندس باگرفتن امضاء از چهل کارگر (کارگران با نقوایی خودشان امضاء کرده‌اند) او را اخراج کرد. کارگران میگویند باقیه سرپرست‌ها هم همین کار را خواهیم کرد. حالا دیگر سرپرست‌ها بنوعی از کارگران و اعدا عملشان می‌ترسند و زیاد دوروبر آنها نمی‌آیند. اخیراً در مورد مسائل رفاهی از طریق مدیریت کارخانه قولهایی به کارگران داده شده است، مبنی بر اینکه طرح طبقه‌بندی مشاغل در مورد آنها به اجرا درخواهد آمد. وام مسکن خواهند گرفت، سود ویژه‌شان افزایش خواهد یافت و غیره. البته این قولها به مرحله عمل نرسیده است. ولی کارگران امیدوارند.

## در کاشی سعدی: ضد انقلاب امیدوار است

پس از اینکه پدینال دوندگیهای بسیار شورای اسلامی کار-گران کاشی سعدی، دولت هیئت‌مدیره جدیدی برای شرکت انتخاب کرد، برادران کاشانی (رضا و جلال‌الدین) شروع به خرابکاری و تحریک نمودند و در ضمن به مراجع ذیصلاح نیز شکایت بردند. آنها اخیراً با شمارهای عوام‌فریبانه، توسط عمال خود شروع به تحریک کارگران کرده و گفته‌اند که شما احتیاجی به مهندس ندارید و هر قسمت را بطور شورایی بایستی اداره کرد. این امر مورد موافقت شورای اسلامی و هیئت‌مدیره قرار نگرفته است. از طرف دیگر کاشانیها طلبکاران شرکت را تحریک کرده‌اند که برای وصول طلب‌هایشان مکرراً به شرکت مراجعه و کار شرکت را مختل کنند. از سوی دیگر چون هیئت‌مدیره جدید، با توجه به اینکه قبلاً شرکت کاشی را با تخفیف به نمایندگان - واسطه‌ها یا زالوهای اجتماع می‌فروخت و آنها کاشی را بسیار گرانتر از قیمت رسمی به مردم می‌فروختند، تصمیم گرفته است تخفیف را کاهش دهد و قیمت را هم کمی بالا ببرد. واسطه‌ها متحد شده‌اند و به کمیته صنعتی نام شکایت کرده‌اند که این کمیته هم به شرکت اظهار کرده است که گرانفروشی نکنند!

آیا دولت و شورای انقلاب بایستی با اقدامات قاطع و حمایت از هیئت‌مدیره جدید، امیدواری کاشانی و امثال وی را به یاس تبدیل کنند؟

کاشی سعدی درجه قم، بجاده انبار ری قرار دارد. تعداد کارگران آن حدود ۱۰۰۰ نفر است. هر ماه حدود ۳۰۰۰۰۰ تومان حقوق کارگران کارخانه است. نهار خودی دارد (یک نهار خودی بزرگ در دست‌ساختن است). مهد کوکب بسیار محقری دارد. (مهد جدیدی در دست ساختن است.)

کتر کارگری کفشی ایمنی دارد. قرار است قبل از نوروز به همه کارگران کفشی ایمنی داد شود.

## پشتیبانی سندیکای کارگران درودگریهای تهران و حومه از کارگران خباز

هیئت‌مدیره سندیکای کارگران درودگریهای تهران و حومه بدینوسیله اعلام می‌دارد که:

از خواستههای برحق و قانونی کارگران خباز استان تهران پشتیبانی می‌کند. کارگران خباز، که از منجر و معیشت ابقار کارگران ایران هستند، با وجود مراجعات مکرر خود به وزارت کار متأسفانه تاکنون نتوانسته‌اند خواستههای اولیه خود را تحقق بخشند. این مسئله موجب ناخوشی فراوان کارگران خباز گردیده است. وزارت کار باید هشیار باشد که ضدانقلاب همواره متصد است که کوچکترین جریان اعتراضی کارگران برای ضرب‌بزدن به انقلاب بهره‌برداری کند.

ما خواستار آن هستیم که وزارت کار هر چه زودتر به این خواسته‌ها، که حق یکف‌آورده کارگران خباز از انقلاب ایران است، رسیدگی نماید. هیئت‌مدیره سندیکای کارگران درودگریهای تهران و حومه

# تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

## در کارگاههای بافندگی اصفهان

بلند کردن تویی نخ رگهای دستن پاره شده است و ناچار در آنجا بکار مشغول است. مزد کارکنان این شرکت از قبل ۲ تومانی است که روی هر بچه نخ میگذازند. با مراجعه به آنجا همه مشکلات این بافندگان را یکجا می‌بینیم:

۳۴۰ نفر عضو این تعاونی هستند که از این تعداد، ۱۵ نفرشان تا بنده نخ هستند. با چند نفر از مسئولان آنجا صحبت میکنم. میگویند:

«ما کارگرانی هستیم که ۴۰-۴۵ سال پیش، بعلت مبارزات صنفی و سیاسی، سالها به زندان افتاده‌ایم. مبارزات صنفی ما در این مدت بخاطر تثبیت قیمت‌ها، از بین بردن واسطه‌ها و گشایش گره مشکلات بافندگان بوده است. اکنون هم این مسائل با همه قوتش بر ایمان مطرح است. بعد از انقلاب در حدود ۴۰ جلسه‌ای که با جامعه پیشه‌وران، اساتید و مدیران کارخانجات در اتاق بازرگانی داشته‌ایم، کماکان این مسائل را مطرح کردیم. کسانی که این شرکت مراجعه می‌کنند و پول می‌گذارند و «می‌خواهند» که نخ تحویلشان بدهیم. ولی بعلت آنکه سرمایه‌داران نخ به ما نمی‌فروشند، اتفاق می‌افتد که از زمان پول دادن امضاء تادریافت نخ، گاه چندماه فاصله می‌افتد. در این مدت بدیدی است که ماشین بافندگی از کار می‌افتد و صاحبش بیکار میشود. در

غیر اینصورت باید دوباره به واسطه‌ها و بازارها مراجعه کنند. کما اینکه مثلاً بافندگان روستای کردآباد، که عضو این تعاونی هستند، به این بلا مبتلا شده‌اند. سرمایه‌داران ۴۰-۴۵ سال است که می‌گویند فروش محصولات شما ضرر برایمان ببار می‌آورد. ولی همه‌شان در خارج و شمال ویلا برای خودشان ساخته‌اند. ما خواهان واگذاری محصولات یکی از کارخانجات روستایی، مثل کارخانه رحیم‌زاده، هستیم تا این نخها را بدون واسطه در اختیار بافندگان بگیریم و همچنین از این طریق مواد مصرفی بافندگان تأمین و تصمین باشد. ولی متأسفانه در اتاق بازرگانی، سرمایه‌دارانی هستند که محصولات کارخانجات روستایی را در اختیار ما نمی‌گذارند، اعمال نفوذ می‌کنند و در عوض به تاجرانی میدهند تا احتکار کنند. برای مثال ۸۰۰ عدد از این نخها، که البته رقم کوچکی است، انبار شده بود و در آن سوی سوزی شرکت واقع در خیابان اوشیروان، کاملاً سوخت و اکنون صاحبش در عوض مجازات، قضای خسارت هم کسرده است. و یا چندی پیش شخصی به نام

افزاری در اتاق بازرگانی با اصرار تمام خواهان ملی شدن کارخانه رحیم‌زاده و واگذاری محصولات آن به این شرکت بود. که متأسفانه فعالیتش بیجا نرسید. کسانیکه اکنون در اتاق بازرگانی هستند، در زمان طاغوت هم در آنجا بودند. نمی‌دانم چرا هنوز بر سرست‌هایشان باقی مانده‌اند و چسرا ادارات هنوز تصفیه نشده‌اند، ما نمی‌خواهیم در این شرایط که مملکت در حال مبارزه با امپریالیسم است، فشاری بر دولت وارد کنیم و مگر نه می‌خواستیم تصمین کنیم و خدمت امام برویم، تا به این اجحافات پایان داده شود».

در پایان، ضمن خداحافظی، گفتند که: «گاه‌نگاه بر اثر فشارهایی که وارد آورده‌ایم، ممکن‌هایی بخوردمان داده‌اند و یکمقدار نخ در اختیارمان گذاشته‌اند. ولی ما ممکن نمی‌خواهیم. ما کارخانه رحیم‌زاده را می‌خواهیم، و می‌خواهیم که دولت بما کمک کند، و ۴۱ در اختیارمان بگذارد. بعد وضع زندگی بافندگان چقدر خوب خواهد شد. اینکار همچنین الگویی است برای کارهای انقلابی آینده».

۴۰ کیلوگرم ۱۵۲۰ ریال - فروش پارچه از هر بچه ۲۰۲۵ ریال خرید نخ پنبه‌ای ایرانی، هر بچه ۴۰ کیلوگرم ۱۲۲۰ ریال - فروش پارچه از هر بچه ۱۳۵۰ ریال اجاره کارگاه ماهی ۲۰۰ تومان، برای یکتنر ۱۰۰ تومان برق بطور متوسط هر ماه ۱۸۰ تومان، برای یکتنر ۹۰ تومان بنابراین در هر روز آنچه که بعنوان درآمد خالص برای ایشان میماند (که در حقیقت مزد کار آنهاست) ۸۰۰ ریال است. سن مرد آنها متجاوز از ۵۰ سال است. از ۶-۷ سالگی که پدرشان فوت کرده. به بافندگی مشغول شده‌اند. اکنون هنوز در خانه پدریشان زندگی میکنند، که فاقد وسایلهای زندگی است. ساختمان کارگاه قدیمی است و سقف طاق‌شعشع‌ها دارد و بعلت کپنه بودنش ترک‌های عمیقی برداشته است. بگفته خود آنها، بر اثر سروصدای زیاد از حد ماشینهای بافندگی ترک‌های عمیقی می‌شود و خطرات جانی و مالی جبران‌ناپذیری برای خانواده آنها دربر می‌آورد. میگویند: برای سوار کردن تویی نخ روی دستک، که قریب ۱۲۰ کیلو وزن دارد، ساعتها باید زحمت کشید، یکی از این دو برادر میگوید: «بر اثر بلند کردن این بار ۱۴۰ کیلوگرمی، رگهای دستم پاره شده است».

در یک محوطه قلمه‌مانند، در فلکه احمدآباد، چند کارگاه بافندگی وجود دارد. بعلت فروش قابل توجهی چیه (دستمالی است که اخیراً پاسداران و افراد کمیته بر گردن می‌اندازند) تعدادی از این کارگاه‌ها به بافندگان کالای غیر لازم می‌پردازند. مواد مصرفی برای بافندگی چیه همان نخ و ویسکوز است. تنها یکی از این کارگاه‌ها به بافندگان لنگ و کرباس برده است. بافندگان این کارگاه میگویند:

«وقتی این تویی نخ تمام شد، ما هم چیه خواهیم ساخت، زیرا بازار فروش لنگ و کرباس کساد است».

سپس آنها استدلال میکنند. «وقتی تولید چیه زیاد شد، روی دستمان باد میکند و دیگر کسی ازمان نمی‌خرد».

بافندگان نیز میگویند: «گاه اتفاق می‌افتد که دستمال‌ها را کسی نخرد. آنوقت آنها را خودمان می‌بریم سنجج و تبریز و مشهد و آبادان و بفروش می‌رسانیم».

بافندگان لنگ و کرباس البته این سرویشت را روبروی بافندگان چیه می‌بینند، ولی با عزمی راسخ می‌خواهند لنگ و کرباس را به چیه تبدیل کنند. صاحب یکی از این کارگاهها فردی است که سه فرزند خویش را بجهام خودش بکار گمارده است. فرزندانش به ترتیب ۱۷ ساله، ۱۵ ساله و ۱۰ ساله‌اند. همه آنها به مدرسه می‌روند و ناچار بیانه درس می‌خوانند. پدرشان میگوید:

«وقتی سرسره می‌نشینم، می‌بینم بچه‌هایم به اندازه خودم غذا می‌خورند. پس باید بکنجوری خریشان دربیاید. اگر بچه‌هایم بکنجوبیند، خرچمان در نمی‌آید».

همه این بافندگان عضو شرکت تعاونی تهیه و توزیع مواد مصرفی صاحبان صنایع بافندگی اصفهان و حومه هستند که با سرمایه‌گذاری تک‌تک این بافندگان ایجاد شده و بشکلی سندیکای آنان محسوب میشود. بافندگان با گذاردن پول در این شرکت، مواد مصرفی، مثل انواع نخها را خریداری در کارگاههای خویش به‌پارچه تبدیل می‌کنند. (محل ایمن شرکت تعاونی در خیابان عبدالرزاق، جنب مسجد حاج محمد جعفر است) بقول یکی از بافندگان، رئیس این شرکت کسی است که سالها پیش بر اثر

دخ و مشقت حرف‌های زدن دارد. به کارگاه دیگری می‌روم. در این کارگاه تنها یک ماشین بافندگی است که حوله می‌بافد. کارگرش مرا با چای پذیرایی میکند و به صحبت می‌نشیند: دستگاه از آن خودش نیست. صاحب این دستگاه نصف روز یکمکش می‌آید و نصف دیگر را در کارگاه پاکت پلاستیک سازی کار میکند. از این نظر در مسائل مشکلات صاحب کار شریک است ۲۶۰ متر حوله در روز می‌بافد و بطور متوسط ۵۰ تومان دستمزد دارد و ۷ نفر خانواده، خانه‌ای هم دارد که ۸۰ متر است با ۲ اتاق. حوله ۸۰ متری ۱۵ تومان می‌فروشد. معتقد است که تولیدات این کارگاهها محدود و نامرغوبند و البته در سر راه راه تولید هم تجاری هستند که بازار را در دست دارند و به بهانه کمبود نخ، آنرا به ایشان گران می‌فروشند و حوله‌های بافته شده را از آن می‌خرند. مثلاً یک حوله حمام دو متری را ۳۰ تومان می‌خرند و ۶۰ تومان می‌فروشند. میگویند کمبود نخ نداریم. همین تاجر و دست‌اندرکاران احتکار میکنند. مثلاً وقتی انبار گاز در دروازه تهران منقرض شد، چند انبار دیگر اطرافش بود که کاملاً سوخت. یکی از این انبارها، انبار نخ بود که احتکار شده بود. یکی هم انبار پنبه بود. چندتایی دیگرش هم انبار تاید و روغن بنایی بودند. او برای حل مشکلات بافندگان را محل میدهد:

«انقلاب شده است که مستضعفین روی کار بیایند، دولت باید تکیه‌اش روی مستضعفین باشد و بفتح آنها کار کند. تمام این کارگاهها باید یکی شوند و همه‌شان هم در دست دولت، خرید و فروش نخ و پنبه و ماشین هم در دست دولت باشد. ما هم کار میکنیم باید یکدیگر یاری کنیم».

از چند کارگاه بافندگی دیگر نیز دیدن میکنم. در این کارگاهها اغلب با ماشینهای بافندگی کار میکنند. تولیداتشان چندان است که خرچ‌زندگی بخور و نیش‌شان را در می‌آورند. برای مثال در یک کارگاه دو برادر چسار ماشین بافندگی را که از آن خودشان است، اداره میکنند. کارگر استخدام نکرده‌اند، زیرا اولاً مواد مصرفی از قبیل انواع نخ به اندازه کافی در اختیارشان قرار ندارد. ثانیاً تولیداتشان کفاف مزد کارگر را نمیدهد. لاجرم خود به اتفاق فرزندانشان این کارگاه را اداره میکنند. برآورد درآمد یکی از آنان بدینصورت است:

خرید نخ ویسکوز خارجی، هر بچه

دردی که برای بیکاری کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تحدایه از بنگاه‌های حمل و نقل خواست کمیسیون خود را به ۳ درصد تقلیل دهند. این کار انجام شد. از طرف دیگر سندیکای پول در یافتی از رانندگان را افزایش داد. رانندگان علاوه بر حق نوبت (۵ تومان برای کامیون خاور و ۱۰ تومان برای کامیون بزرگ) ۲ درصد کل کرایه راننده اتحادیه می‌پردازند. اتحادیه به ازای هر کرایه عضویت ۱۵۰ تومان می‌گیرد و بر رویهم ماها نه حدود ۱۵۰ هزار تومان درآمد دارد.

در ایران امکانات، اتحادیه باید کام‌های عملی و مشیتی موافق منافع رانندگان برآورد، ولی از این همه دریافتی که به‌چوچه تا این حد لازم نیست. شرکت تعاونی برای آنان تأمین می‌کند نه کمکی بحال آنان است، نه باطریق، لاسیک و لوازم یدکی را با قیمت مناسب در اختیار آنان می‌گذارد و نه اعتباری جهت گرفتن

اتحادیه کامیونداران قزوین: بار سنگینی بردوش کامیونداران است

چندتن از کامیونداران قزوین بعنوان شکایت از اتحادیه کامیونداران قزوین با ارسال نامه‌ای که سوسه نقر آن را امضاء کرده‌اند، به فرمانداری قزوین رفته و خواستار رسیدگی به حقوق خود شده‌اند. رانندگان تقاضا کرده‌اند به آنان امکان داده شود تا مستقل از اتحادیه، راساً و در کارگاهها بازرگاری کنند. اتحادیه کامیونداران قزوین از بدو تأسیس نه تنها در جهت رفاه حال کامیونداران گامی بر نداشت، بلکه با اقدامات خودشان داد که از مشتی سودجو تشکیل شده است.

در یک کارگاه کرباس کاشی (بوقول خود بافندگان بونیانی) ۹ دستگاه بافندگی دستی وجود دارد. دستگاهها با چوب و نخ و طناب و قرقره درست شده است. فضای کارگاه تاریک و نامرور است. دیوارها قدیمی و ترک‌دار، کاهکش ریخته‌شده و خستنی نمایان. از این ۹ دستگاه فقط دو دستگاه کار میکنند. بقیه بخاطر کمی درآمد و بیماری بیکار شده‌اند. مش غلامحسین، یکی از بوقول‌های که روی این دستگاهها کار میکنند، شروع به صحبت میکند: ۴۰ سال است باین کار مشغولم. حاصل این ۴۰ سال یک خانه ۶۰ متری با ۴ اتاق و ۴ بچه است. یک چشم هم کور شده است».

در آمدش را برابری حساب می‌کند: «یک بچه ریسمان تپا باید بستمان برسد، ۱۴۵ تومان درمی‌آید. از این ۵۰ کیلو، نیم کیلویش آشغال است و کرک‌هایی که از زیر دستگاه می‌روند. ما با این ۵۰ کیلو کار می‌کنیم و پتو می‌بافیم. تاجرهاهای بازار این پتوها را کیلوگرمی ۴۴ تومان می‌خرند. (حساب میکنند) میشود ۱۴۴ تومان. یعنی از هر ۵۰ کیلو ریسمان، ۴۰ تومان گیران می‌آید. من با این ناتوانی، اگر بتوانم یک بچه بیشتر نمی‌توانم بیافم».

بیمردی که روی دستگاه دیگر کار میکند رشته کلام را بدست میگیرد: «وضع مش غلامحسین بازم هم بهتر است. من بیشتر از یک کیلو صد گرم نمی‌توانم بیافم. ۷۰ سال دارم. زن و بچه هم دارم. باروزی ۵ تومان خرچم در نمی‌آید».

مش غلامحسین دوباره صحبت را ادامه میدهد:

«الان باید دولت دست این بیمرد را بگیرد. حقوق مستمری بازنشستگی پیشی بدهد. این خاله ندارد. باید یه ماشینی این بیمرد بیشتر از همه این بازرگانها و سرمایه‌داران به این مملکت خدمت کرده است. چون بیشتر از همه این بازرگانها تولید کرده است. بعد دولت باید کارگاههای ما را جمع کند و بیمردان به کارخانه‌های بزرگ و دست‌ان بازرگاریها از سرما کوتاه کند».

سپس او بکل سرمایه‌داران می‌تازد: «اگر سرمایه‌دار باشد، آمریکا هم هست. باید این سرمایه‌داران و روحانیون وابسته به آنها را ازین برد. یک روحانی‌نما چه حقی دارد از یک سرمایه‌دار دفاع کند و بگوید زن و بچه‌های او بمن اتصاف کرده‌اند؟ اصلاً توجه حقی داشتی که سرمایه‌دار رابطه داشته باشی؟ این بازرگانها پتوهای ما را کیلوگرمی ۴۴ تومان می‌خرند و کیلوگرمی ۶۰ تومان در دستمزد به کسانی مثل خودمان می‌فروشند. این پتوها که اعیان و اشراف نمی‌خواهند و حالا هر کدامشان چند خانه دارند، ویلا در شمال دارند».

مش غلامحسین به اندازه ۳۰ سال

نیرنگ جدید ضد انقلاب در کردستان

جندی است که عوامل ضد انقلاب بمنظور ایجاد تشنج و دسته بندی مذهبی - غیر مذهبی، اعلامیه‌های تحریک آمیزی برای پاسداران روانسرا (از شهرستانهای کردستان) پست می‌کنند. در این اعلامیه‌ها، اینکار همچنین الگویی است برای کارهای انقلابی آینده».

نیرنگ جدید ضد انقلاب در کردستان

### اشغال کنندگان سفارت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان:

## «آمریکا دشمن ما نیست، دوست ماست!»

سفارت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان در تهران روز چهارشنبه ۸ اسفند ماه جاری به وسیله گروهی اشغال شد.

طبق گزارش خبرنگار «مردم» که در این لحظه در محل حاضر شده بود، چندتن از ضد-انقلابیون مشتعل بر گروهک‌های مائوئیستی و در رأس آنها گروهک ضد انقلابی سازمان انقلابی حزب رنجبران، و عناصری که پس از انقلاب افغانستان از آن کشور گریخته‌اند، همگی زیر-پوشش آشنای «دانشجویان و جوانان مبارز افغانی» مدتی سفارت را در کنترل خود گرفتند و پس از مقدماتی و حاشی و اجرای نمایشی در شکسته مورد نظر خود محرق شدند.

نکته اساسی این که، شعارهای این جمع بطور عمدت به علیه شیطان بزرگ (ام‌الفساد قرن بیستمی آمریکا - که بقول امام که ترناریهای مستضعفین از جانب اوست - بلکه در ضدیت با اتحاد شوروی بود.

خبرنگار «مردم» از جوانی که در پیش توپ و شلوار تنگ فرنگی اش جلب نظر میکرد، پرسید: «چرا علیه آمریکا شکر می‌کنید؟»

«آقا جان! همین شعارهای ضد-آمریکایی هم که می‌بینی، فرمایشیه است. آمریکا که دشمن، نیست، دوست ماست! فقط شوروی دشمن همه مستضعفین جهان است!»

همین «جوان افغانی» که سینه جاک از مستضعفین افغان و جهان (۱)، دفاع میکرد یک

لحظه بعد، در همان محل فریاد می‌کشید، و رنجبران حزب رنجبران ایران را بخوانید! و روزنامه‌های را در هوا تکان میداد.

مهاجرت اشغال کنندگان سفارت بر همگان آشکارست. بیاد داریم که همین حضرات چندی پیش سفارت اتحاد شوروی در تهران را اشغال کردند و در مقامی در مقامی اطلاعیه‌ای در این مورد اظهار داشت.

**دوره اشغال سفارتخانه‌های در ایران**

خیانت به مبارزات برحق مردم ماست و هر کس دست به چنین اعمالی بزند، از عوامل بی‌چون و چرای «سیاهی آمریکاست» رسماً پاسداران انقلاب اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای این حرکت را محکوم کرد و بصراحت اظهار داشت:

**«دانشجویان که انقلاب پیروز شدند ملت ستم‌کشیده ایران بسوی هدف‌های پلیدی‌اش یا شتابی هر چه تمام‌تر به پیش می‌روند و نیاز به وحدت هر چه بیشتر دارند، دست‌هایی که معلوم نیست از چه آستین‌هایی بیرون می‌آیند سعی در برهم زدن صفوف وحدت مسلمین می‌نمایند. لذا می‌بینیم با این که فلا اعلام شده بود هیچ گروهی به حریم هیچ سفارت خانه‌ای حق تجاوز ندارد، متأسفانه افرادی...»**

پس صحبت بر سر هویت اشغال کنندگان نیست، زیرا آنچه که عیان است، نیازی به بیان ندارد.

بحث بر این است که در همین روز چهارشنبه (۸ اسفند جاری) سیما جمهوری اسلامی ایران در بخش اخبار ساعت ۲/۳۰ خود این خوش-

رقی عوامل امپریالیسم آمریکا را در برابر امپریالیسم آمریکا مورد استقبال قرار داد و فیلمی از این «فتح نسیان» نشان داد. بنا بر این سوال بقوت خود باقی است که، دست‌اندرکاران صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در کدام خط حرکت میکنند؟ اگر در خط امام هستند که ایشان سراجاً می‌گویند همه فریادهایان را سر آمریکا بکشید.

متأسفانه نه فقط صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، بلکه برخی مطبوعات مسئول هم که خود را در خط امام میدانند، کوشیدند تا ماهیت اشغالگران و نیز هدف آنها را بگونه‌ای دیگر مطرح کنند.

اشغال کنندگان را دانشجویان مسلمان افغانی نامیدند. آنها موقعیت ناخوشایند بر اهداف پلیدی‌گروهک ضد انقلابی سازمان انقلابی، یا حزب رنجبران، که می‌کوشد تا امپریالیسم آمریکا را از زیر پرده اهداف بزرگ انقلاب ایران خارج سازد، پرده کشیدند.

تجربه یکساله انقلاب ما به‌عنوان نشان داده است که آنان که می‌کوشند آگاهانه اتحاد شوروی، یعنی بزرگترین دوست و پشتیبان انقلاب ایران را «دشمن اصلی» خلفای ایران و نمودسازان، نه تنها در جهت اهداف بزرگ انقلاب ایران، بلکه سردآشخور امپریالیسم آمریکا و نیات خونین و پلیدی‌اند. اشغالگران سفارت جمهوری دمکراتیک افغانستان از زمره چنین کسانی هستند. ناآگاهان نباید این حقیقت را درنگ کنند و در چنین دام خطر ناکی نیفتند.



### زنان و مردان برابرند و هم‌وزن

«مرد» در نظر دارد عکسهای تمام‌مبارزاتی را که در دوران سلطنت تفنگ و منفور خاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به‌شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری

**منتشر شد:**  
**غار تگران و غارت‌شدگان**  
(ملتهای غنی و ملتهای فقیر)  
**مادر نامه**  
مریم فیروز  
**آمریکا! آمریکا!**  
مجموعه شعر سیاوش کسری (فرهادره آور)

**توجه!**  
رقا و هواداران حزب که امکاناتی برای فعالیت انتخاباتی نبود نامزدهای حزب در تهران و شهرستانها دارند، لطفاً همه‌روزه از ساعت ۹ تا ۱۸ در دبیرخانه حزب به ساد انتخاباتی مراجعه کنند.

## پاسپاران خواستار رسیدگی به وضع خود هستند

پاسپاران اداره راهنمایی و ترافیک خواستار رسیدگی به وضع خود و اخراج و تصفیه عوامل وابسته به رژیم گذشته از این اداره هستند.

یکی از پاسپاران اداره راهنمایی و ترافیک ضمن نامه‌ای به روزنامه «مردم» می‌نویسد: «ما حدود دو ماه است که در اداره راهنمایی و ترافیک استخدام شده‌ایم، ولی هنوز دفترچه‌های خود را نگرفتیم و هیچ مزایای استخدامی هم به ما تعلق نیکم. در صورتیکه سایر ماموران راهنمایی از تمام مزایای شغلی استفاده میکنند.

در این نامه سه سئوال آمده است: «رئیس اداره راهنمایی و ترافیک از وضعیت ما باخبر است، ولی ما هر وقت میخواهیم از حق خود دفاع کنیم، ما را به اخراج کردن و یا عنوان دیگر می‌زنند. ما پاسپاران مثل سایر برادران و خواهران در انقلاب شرکت کرده‌ایم و امیدوار بودیم که با استخدام در این اداره بتوانیم به مردم انقلابی خود خدمت کنیم، ولی متأسفانه تحت فشار عوامل طاغوتی قرار گرفته‌ایم. این افراد سعی میکنند ما را نسبت به انقلاب بدبین کنند و در آشفته‌اند، ما پاسپاران انقلاب از دولت می-خواهیم که هر چه زودتر عوامل وابسته به رژیم متحله پهلوی را از این اداره اخراج و تصفیه کند و ما را نجات دهد.»

## در مطبوعات کشور

### سندیکا و شوروی، دونهاد ضروری، لازم و ملزوم صنعت اند

شورای تالیسی جنبه سندیکایی داشته باشد، همانطوری که به‌پشتی از کارگران اینروزها مطالبه می‌دارند و وظایف شوروی با وظایف سندیکا متفاوت است. اگر شوروی بخواند وظایف سندیکایی را بپذیرد، از وظایف اساسی خود باز می‌ماند. سندیکا هم مثل شوروی یک نهاد ضروری، لازم و ملزوم صنعت است و اگر وجود آن را نادیده بگیریم، خواهی نخواهی از فعالیت آن نمی‌توان جلوگیری نمود.

همانطوری که دموکراسی بدون احزاب تحقق نخواهد یافت، سندیکا هم نهادی است که با وجود آمدن صنعت تولد یافته و خواهی نخواهی جزو آن گردیده است، خصوصاً اینکه سندیکاها امروز یکی از ارکان حفظ و نگاهداری دموکراسی به حساب می‌آیند و میتوانند نگیان‌دستار در هی انقلاب اسلامی ایران باشند. وظایف سندیکاها طبق قانون کار مشخص است. بایستی وظایف شوروی را هم طبق مقررات تعیین کرده و این دو رکن میتوانند، در کنار هم فعالیت داشته باشند.

فلسفه شوروی استفاده از نظریات صاحب‌نظران در اداره امور موسسه است به این ترتیب کسانی بایستی مورد مشورت قرار گیرند که در به عنوان مثال برای تأسیس یک دکان نانواشی چه وقت با آهنگران یا مسگران مشورت نمی‌کنند، بلکه با کسانی مشورت می‌کنند که در امر نانواشی بصیرت دارند.

(کیهان، ۸ اسفند)

### هشدار سپاه پاسداران ساری: نفوذالهای مازندران علیه دهقانان توطئه میکنند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساری با صدور اعلامیه‌ای هشدار داده که نفوذالهای متطوعه از نندگان علیه دهقانان زحمتکش توطئه می‌کنند و بایند زمینهای سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ گرفته و به دهقانان سپرده شود.

متن اعلامیه سپاه پاسداران ساری از این قرار است:

بمهربان مستضعفین (بنام خدای مستغنیان) قرن پانزده هجری بسایده آغاز ناویدی مستکبرین باشد، باید مستضعفین با تمام نیرو و قدرت حقوق خود را بگیرند و بر آن‌هاست که منتظر نباشند که مستکبرین حقوق آنها را پس بدهند، باید همانطوری که قرآن امر کرده، همه متحد شوید، (امام خمینی)

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران به دلیل محتوای مکتبی‌اش بایست در جهت معواستعمار و نابودی جهان‌نوردان در رأس آن آمریکا، این شیطان بزرگ‌گام برود، و لذا چون نفوذالین در شرایط حاضری از بزرگترین حامیان منافع امپریالیسم و مانع رشد اقتصادی کشور ما می‌باشد، باید قاطع و انقلابی با آن مبارزه نمود. مادرانجا با توجه به شواهد موجود در مورد اتحاد نامفلس نفوذالهای معطنه ساری و مازندران و جلسات سری و توطئه آنها علیه دهقانان زحمتکش و نیز تهدید برادران سپاه پاسداران برای ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی ایران، به مسئولین امر (رئیس جمهوری، شورای انقلاب، وزارت کشاورزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز و دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز) هشدار داده و با آنان اتمام حجت می‌کنیم تا هر گره عواقب این امر را خود عهددار باشند. ما منتقدیم که بایست هر چه سریعتر برای پایان دادن به این وضع و پیشگیری از عواقب آن، زمین از سرمایه‌داران بزرگ گرفته و به دهقانان سپرده شود.

(اطلاعات، ۸ اسفند)



(آزادگان، ۲ اسفند ۱۳۵۸)

### آیا سایه چماق از سواجماعات کوتاه می‌شود؟

● دکتر ساسی، در حوادث اخیر برای جلوگیری از تهاجم گروه‌ها، اقدامی ننشد.

● مجاهدین انقلاب اسلامی، برهم‌زدن اجتماعات از عوامل اصلی اقتضات کنونی است.

● انجمن دانشجویان مسلمانان سردمداران حمله به گروه‌ها از نظر ما شناخته شده‌اند.

● حزب جمهوری اسلامی، حزب ما درگیری و حمله به گروه‌ها را محکوم می‌کند.

● سرپرست دانشگاه صنعتی شریف، یورش به میثاق‌ها، نقض قانون اساسی است.

● جبهت‌الاسلام رنجبرانی، درگیری‌های خود در اجتماعات در مجموع سودبخش نیست.

● دکتر پیمان، دامن‌زدن به تهاجم‌های درون‌خلفی، مبارزه ضد امپریالیستی را از ذهن جامعه می‌شوید.

(کیهان، ۸ اسفند)

### برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام‌مبارزاتی را که در دوران سلطنت تفنگ و منفور خاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به‌شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری

### لیبرالیسم چیست؟ آزادیخواهی یا واسطه‌گرایی؟

استاد رضا اسفغانی، لیبرالیسم یا منطق اسلام، قرآن و انقلاب به‌چوچه منطق نیست. جنبش مسلمانان مبارز، خط امام و خط انقلاب با خط لیبرالیسم سازگار از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

مجاهدین خلق، با اشغال جاسوسخانه آمریکا، کوس‌سواهی لیبرالها به صدا درآمده‌است. دکتر آیت، لیبرالیسم و ارتجاع را باید زیر ضرب قرار داد. (اطلاعات، ۸ اسفند)

### لیبرالیسم سازشکار...

جنبش مسلمانان مبارز در تحلیلی پیرامون لیبرالیسم خاطر نشان می‌سازد: لیبرالیسم سازشکار با وجود شکست‌هایی که در معرفی ساختن انقلاب نصیب شده بود، تسلیم نشد و با حرص و ولگی که برای کسب قدرت و اشغال مواضع رهبری داشت، از بازآزاد آشفته و از غیبت یک نیروی پیش‌تاز انقلابی و از سازمان نیافتگی توده‌ها و کوتاهی‌تیر به انقلاب و پیروزی سریع و غیب‌نیشی حساب شده آمریکا استفاده کرد. از فریاد سقوط رژیم سعی کرد که از اندست شما خارج کند و به خانه‌ها بازگرداند. اعلام کرد انقلاب به پایان رسیده‌است آسوده به خانه‌ها، ادارات و کارگاهها برگردد.

وظیفه شما مردم که مبارزه بود و مقاومت و شکنجه دیدن شهادت، کرسنگی کشیدن و استقامت همه پایان یافته و اکنون نوبت ماست که حکومت کنیم و کارها را رو به راه.

کافی است گوش به فرمان باشید. اولین کارش بر زمین افکندن پرچمی بود که شما برای مبارزه با آمریکا (بعد از شاه) بر اراشتید و خاموش کردن فریاد مرگ بر شاه بود. سعی کرد دشمن اصلی را از دیدگاه شما پنهان کند تا فراموش کنید. گفت علت همه بدبختی‌ها شاه بوده، او هم رفته است، پس، انقلاب پس است.

مرتب‌ترین و فرست طلبان و عناصر سازشکار در سنگر روحانیت و روشنفکری از این موقفیت متن‌ازل شده و کسب آبرو و وحییت و مقام و موقعیت به‌تکاپو افتادند، رقابت و همکاری بطور متوالی آغاز شد رقابت در کسب قدرت، همکاری در مقابل با انقلابیون راستین... موقع آن رسیده که خطا انقلاب و خطا امام را در یک جبهه انقلابی علیه امپریالیسم و پایگاه‌های اصلی آن در داخل مشخص و تثبیت کنیم.

### جاما و لیبرالیسم و ارتجاع

نکور روح یکی از مسئولین سازمان جاما (جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران) نقطه نظرهای سازمان متبوع خود را در مورد لیبرالیسم و ارتجاع به این شرح ابراز داشت:

انقلاب ایران چون سلی بنیان کن تمام جریان‌هایی را که بصورت ماله بر سر راه خود دارد یکی پس از دیگری در هم می‌نوردد آگاهی توده‌ها بر خلاف آنچه بورژوا لیبرال و ارتجاع تصور میکنند در این هندارهای بی‌بایی نیروهای اصلاح انقلابی روز بروز ضوابط را چون خس و خاشاک به کناری زده و در طریق تکامل راه می‌پیماید. نگاهی به آغاز انقلاب تا به امروز و افشاکری‌هایی که به‌عنوان مختلف در جهت تکامل این روند تاریخی انجام شده است بیانگر این ویژگی خاص انقلاب ما است.

بورژوا لیبرال و ارتجاع که اغلب بصورت دینوری با زاندرنده دست در دست می‌دارند، در این میان عرض وجود کرده و روز بروز موقعیت خود را از دست داده‌اند. بطوریکه پایگاه‌هایی را که بناحق از اول‌غصب کرده بودند امروز یکی بعد از دیگری در خطر سقوط می‌بینند. علت لامل تمام ناراحتی‌ها در این مقطع تاریخی در ندان‌نکاری‌های مسئولین وابسته به این دو جریان و عکس‌العمل‌های مردم و نیروهای انقلابی نهفته‌است. بایند توجه داشت که اگر بورژوا لیبرال در دوران امپریالیسم داده، ولی ارتجاع در هموار کردن راه از ناآگاهانه‌گام می‌زند و به‌هنگام تقسیم قدرت اغلب درگیری‌های جزئی پیش می‌آید ولی در نهایت هر دو برای انقلاب اسلامی مردم ایران زیانبار بوده و هرگز یکی را بر دیگری نمی‌توان مقدم دانست برای مثال، کارنامه یکساله این دو جریان در جهت ایجاد ناراضی‌ها و عیبستکی‌هاشان به‌هنگام خطر چون دوبرادر از یک‌خانواده است که یکی فریزده و دیگری گه‌گاه با او به‌جدال بر می‌خیزد.

(اطلاعات ۸ اسفند)

### کمک قریه زیدعلیا به سبیلزدگان خوزستان

مبلغ ۱۲ هزار ریال به همراه ۸۰ کیلوگرم نیش، از طرف شورای قریه قریه‌علیا، از اهالی جمع آوری و جهت سبیلزدها به دفتر جهاد سازندگی در ساری تحویل داده شد.

# پاکسازی ارتش ضرورت انقلابی مبرم

بازداشت دریا دار علوی، که بدستور دادستان دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۵ اسفند ماه انجام گرفت، یکبار دیگر مسئله ضرورت دوام پاکسازی دقیق در ارتش و نیروهای مسلح را مطرح میکند. یکسال و اندی است که رژیم طاغوتی ساقط شده، ولی هنوز ارتش - چنانکه شایسته انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی باشد - نه فقط نوسازی، بلکه بطور کامل پاکسازی نشده است. این لغل در امر پاکسازی کامل ارتش بهیچ روی قابل توجه نیست.

نوطه ای که چندی پیش در نبرز رخ داد و هسته اصلی آن گروهی ارتشی بود، آشکارا نشان داد که پاکسازی ارتش از عناصر طاغوتی، امری نیست که بتوان سرسری گرفت. این پاکسازی ضرورتی است انقلابی، که با سرنوشته انقلاب ارتباط دارد. بمدت ۸ ماهی که دولت موقت بر سر کار بود، پاکسازی ارتش تحت عناوین مختلف و به بهانه های گوناگون پشت گوش انداخته شد. پس از سقوط دولت موقت نیز، پاکسازی ارتش بنحوی پایسته انجام نگرفت. در این اواخر اقداماتی در این زمینه از جمله در نیروی هوایی انجام شد، ولی هنوز که هنوز است باید گفت که پاکسازی ارتش در دستور در فراداد، چنانکه آقای بنی صدر رئیس جمهور نیز در سخنرانی های خود به لزوم اجرای آن اشاره کرده اند. وقتی مقامی در سطح فرمانده کل نیروی دریایی، بحکم دادستان دادگاه انقلاب ارتش بازداشت میشود، واقعه گویای این حقیقت است که اگر پاکسازی ارتش بازمه دچار تمطل و تسامح باشد، میتواند منشا خطر گردد.

عموماً هر انقلاب موفق، برای رسیدن به پیروزی نهایی، نیاز به دستگاه دولتی متناسب و همگون با محتوا و اهداف خود دارد. اگر انقلاب دستگاه دولتی ویژه خود را بوجود نیاورد، همواره خود را در معرض خطر بالقوای قرار میدهد، که میتواند به خطر بالفعل بدل گردد. ارتش و نیروهای انتظامی مسلح، بدلیل آنکه دستگاه اعمال قدرتند، مهمترین بخش دستگاه دولتی است. این واقعیت حکم میکند که نوسازی ارتش و دیگر نیروهای مسلح از مهمترین اقداماتی که پس از انقلاب پیروزمند بپدیدنک باید انجام گیرد و پاکسازی نخستین مرحله نوسازی است. عبارت دیگر بدون پاکسازی دقیق و مجدانه و کامل نیروهای مسلح از هر کس و هر آنچه طاغوتی است، ارتش بنحوی شایسته و پایسته جمهوری اسلامی ایران، با اهداف دفاع از مرزها و تمامیت ارضی کشور و در خدمت خلق و متکی به خلق نمیتواند نوسازی شود. دریا دار علوی، قبل از استعفای دریا دار مدنی، در مقام جانشینی فرمانده کل نیروی دریایی گمارده شده بود پس از آنکه در یادار مدنی بدلیل شرکت در انتخابات ریاست جمهوری استعفا داد. او در تاریخ ۱۳ بهمن ماه، یعنی کمتر از یک ماه پیش به فرماندهی کل نیروی دریایی منصوب شد. عبارت دیگر فردی که اکنون بحکم دادستان دادگاه انقلاب ارتش بازداشت شده، پس از پیروزی انقلاب بمقامات در سطح معاون و سپس فرمانده نیروی دریایی دست یافته است. واقعه - بنابراین - نشان میدهد که در ارتش هنوز دستهای وجود دارد که امثال دریا دار علوی را در مقامات حساس نظیر فرماندهی نیروی دریایی و دیگر واحدهای مهم ارتش گمارند. بدینسان با نهایت وضوح مسئله پاکسازی ارتش جدی است و باید آنرا بهمان اندازه ای که اهمیت دارد و در سرنوشته انقلاب موثر است، جدی

گرفت. بلافاصله بعد از سقوط رژیم شاه مخلوع و درهم ریختن ارتش شاهنشاهی، از طرف مقامات مسئول دولتی و ارتش سخن از لزوم استقرار انضباط محدود در ارتش میان کشیده شد. در این اواخر سر لزوم برقراری انضباط در ارتش بیشتر تاکید میشود. این خواست بطور کلی درست است. ارتشی که در آن انضباط نباشد ارتش نیست، ولی با قبول این اصل کلی بلافاصله باید پرسید که چگونه انضباطی در درجه وقت؟ انضباطی که مبنایستی در ارتش جمهوری اسلامی ایران برقرار گردد، اولاً باید انضباط معنوی، بر مبنای اعتقاد و به محتوای اهداف ضدامپریالیستی، استقلال طلبانه، دمکراتیک و خلقی انقلاب پیروزمند ما باشد، نه انضباط بی چون و چرا، کورکورانه و تبعیدی، که لازم ارتش ضدملی و ضد خلقی «شاهنشاهی» بود. این انضباط معنوی بصورت ضربه ای، بلکه بتدریج قابل تحقق است ثانیاً انضباط رفتی باید و میتواند در ارتش برقرار گردد که در ارتش از عناصر طاغوتی پاک شده باشد، وقتی که ارتش بوساری شده باشد. یک لحظه تصور کنید با وجود عناصری نظیر دریا دار علوی در راس یکان های بزرگ ارتش، انضباط پیرومندی در ارتش برقرار شده باشد. در چنین حالتی آیا خطراتی برای انقلاب وجود نمی آید؟ البته بوجود می آید. پاکسازی ارتش - در یک کلام - ضرورت انقلابی است که باید بدون فوت کمترین وقت، با نهایت حدیث و دقت و به وسعتی که تمامی ارتش را آماده برای نوسازی کند، با فاطمیت انجام گیرد.

## ضد انقلابیون کومله، عهده دار نقش ساواک در سقز شده اند

کومله نقاب از چهره بر گرفته و آنرا عریان ساخته است. دیگر از جمله بر دانه های ماوراء انقلابی این گروهک ضد انقلابی کثرت اثری چشمه میخورد. او با شان و آتشی - امروزان کومله در سقز «مارده» خود را تنها و تنها در یک جبر خلاصه کرده اند. دحله به هواداران حرب نوده ایران و آتش ردن و تحریک دکه فروش نشریات حزب توده ایران. در تاریخ ۵ بهمن، ضد انقلابیون کومله به دکه فروش نشریات حزب در سقز حمله کردند و با حرات کردند این دکه حشرات ریادی وارد ساختند. در تاریخ ۱۸ بهمن ماه (ساعت ۱۰ و بیست) حمله دیگری به دکه صورت گرفت. که در نتیجه شیشه دکه حرد شد و آتش سوژی محتصری رخ داد. در تاریخ اول اسفند ماه، عده ای محصل (با میانگین س ۱۲ سال) به از طرف عمال کومله تحریک شده بودند، به دکه فروش نشریات حرب حمله کردند و کوشیدند آنرا آتش برند. نوطه با برخورد اصولی و منطقی هواداران حزب حشینی شد. در تاریخ ۷ اسفند ماه (ساعت ۱۰) عده ای دیگر با جهت آتش - ردن دکه فروش نشریات، حمله کردند. که باز با شپاری و برخورد اصولی هواداران حزب نوده ایران این نوطه عقیم ماند. همانگونه که واضح است، «کومله» به شدت خشمگیر است. بطوریکه بکلی تمایل خود را از دست داده و به اعمالی دست میرسد که حاصلی جز سوای فرزند وی در میان مردم نخواهد داشت دست کشیدن «کومله» از ادعاهای «انقلابی» و روی آوردن به شیوه - های کما فاشیستی و ساواک منشا به، دلیل آشکاری است بر آنکه «کومله» از امکان موفقیت و نوطه های خود بشیوه های عوامریانه به پیش میسوی شده. لذا بشیوه آشکار فاشیستی متوسل شده است. که البته اتخاذ این شیوه فاشیستی گام گذاردن در جاده نابودی سریع و ناگزیر است. دلیل آتم واضح است «کومله» که با تمام قوای خویش میکوشد، نقش ساواک را ایفا کند سرانجام جز سرنوشته این سازمان نهنگ نخواهد داشت. بر خود های ضد انقلابیون کومله از طرف دیگر نمایان - گر گسترش نفوذ حرب سوده ایران. حزب طقه کارگر ایران در بین توده های مردم است و از آنجا که «کومله» بدستی در وجود حزب توده ایران بزرگترین دشمن خود را می بیند، چنین به وخت افتاده است و به اعمالی دست میزند که وی را بیش از پیش در مرداب رسوائی و انفراد فرو می اندازد. نقش ضد انقلابی - حکنه مللانه و ضد خلقی «کومله» هر روز بویژه از پس افشا ریه های حرب توده ایران، آشکارتر میگردد و حندی فریب این گروهک ضد انقلابی، هر روز بیش از روز قبل در نظر خلقی گرد - رنگ می برد و اینهمه طبیعتاً هم کومله را خشمگین تر و هم تحریکات ضد خلقی وی را فزون تر میسازد. نومه، این گروهک ضد انقلابی - این ابزار نوطه های ضد انقلابی به عساق دشمن خلق کرد است و طبعه بیرونی انقلابی و منبری خلقی کرد، مارده قاطع با این گروهک و نه مداخلات با آن است.

## قاچاق نارنگی و اسلحه در زاهدان

قاچاقچیان و عوامل ضد انقلاب از زاهدان نارنگی و اسلحه قاچاق وارد میکنند. بر اساس اطلاع رسیده، بدو مسوویت ورود نارنگی قاچاقچیان بطور مداوم از زاهدان نارنگی قاچاق وارد میکند. آنها این جبهه را، که بین ۲۵ تا ۳۰ کیلو وزن دارند، در زاهدان جبهه ای ۹۰ تومان میخرند و برای مرجعه ۴۰ تومان هم به پاسگاه رشوه میدهند. هر جبهه ۱۵ تومان هزینه حمل بر میدارد، که مجموعاً خرج هر جبهه به حدود ۱۵۰ تومان میرسد. اما این نارنگی ها در میدان با فروشان شوش کیلویی ۱۱ تا ۱۲ تومان بفروش میرسد! یکی از کسانی که اخیراً منوجه وجود این جبهه ها شده، به یکی از پاسداران در میدان شوش گفته است: «این نارنگی ها در حال گسیدن هستند، چرا آنها را حراج نمیکنید؟» ولی پاسدار جواب داده است: «آخر در جبهه علاوه بر نارنگی، اسلحه هم برای ضد انقلاب هست، باید از کمیته بیابید و بررسی کنید»

# لسه، سلاه اک هاد امنتش کنبد!

## رویدادهای ایران

### استوار «ژاندارمری شاهنشاهی» رئیس کمیته انقلاب جلفا!

جندی پیش امراد کمیته بخش جلفا به سرپرستی شخصی بنام سلیمی، که قبلاً استوار «ژاندارمری شاهنشاهی» بوده است، به دبیرستان و مدرسه راهنمایی جلفا حمله برد و عسکری امام و یوستر های مربوط به گروه های مختلف سیاسی را بساره کردند. این کمیته و سرپرست آن، که نقش ضد انقلابی آن ها بر همگان روشن است، پیش از این نیز از اشغال رادو تلویزیون تبریز توسط باصطلاح

### خواست های زحمتکشان جعفر آباد کرمانشاه

زحمتکشان محله جعفر آباد کرمانشاه در دیدار استاندار این منطقه از محله خود خواستار رسیدگی به نیازهای رفاهی خود شدند. جعفر آباد یکی از محله های فقیرنشین کرمانشاه است که ساکنان آن را زحمتکشانی تشکیل میدهند که به علت ورشکستگی کشاورزی ایران در دوره شاه مخلوع به آنجا کوچ کرده اند. ساکنین این منطقه اکنون در وضع بسیار نامناسبی بسر می برند و کودکان جعفر آباد به جای تحصیل در کارگاه های تراشگری، مکانگی و ... به شاگردی مشغولند و روزانه بیش از ۲ ساعت کار میکنند.

### نمایشگاه عکس شهدای انقلاب و جنایات امپریالیسم آمریکا در بندر بوشهر



بمناسبت بزرگداشت اولین سالگرد انقلاب شکوهمند و تاریخی ۲۲ بهمن مجلس جشنی همراه با نمایشگاه عکس از شهدای گلگون کفن انقلاب و جنایات امپریالیسم آمریکا در محله (بنماج) بندر بوشهر برپا شد. در این مراسم که مورد استقبال اهالی قرار گرفت، بوسترهایی از حزب توده ایران مبنی بر: حزب توده ایران، در برابر رژیم شاهنشاهی، جمهوری اسلامی آری برای تداوم مبارزه ضدامپریالیستی قانون اساسی آری بنمایش گذاشته شد. نمایشگاه عکس شهدا مدت ۲۲ روز، در روزهای ۲۲ و ۲۳ بهمن، دایر بود.

### اعلامیه سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران

اتحادیه انجمنهای صلیب سرخ و هلال احمر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با پیروی از احساسات سستی دوستی مردم شوروی نسبت به مردم ایران و در ارتباط به سانحه ای که بر سر مردم خوزستان آمده است، تصمیم گرفت به ایران کمک نماید، از جمله با ارسال جادر دارو، بیوا، عده مخصوص اطفال و غیره. این کمک جنبی با هوایماری

## حمله عوامل ضد انقلاب به هواداران حزب توده ایران در اهواز

عوامل ضد انقلاب در اهواز ارضالیت هواداران حزب توده ایران جلوگیری و به آنها حمله می کنند. یکی از هواداران حزب توده ایران در اهواز، که هنگام نوشتن یکی از شماره های حزب توده ایران مورد سرکوشش این عوامل ضد انقلاب قرار گرفته است، می نویسد، من به اتفاق یکی دیگر از هواداران حزب در حال نوشتن شماره حزب توده ایران قاطعانه از حیطه امام خمینی پشتیبانی می کنده روی دیوار بودیم، که انومالی با ۳ سرشیش نزدیک ما توقف کرد سرشیش این اتومبیل پیدد شد و به طرف ما آمدند. آنها بر سر و لبك را از ما گرفتند و با گس حقی گفتند، شماره را پاک کنید. ما به ناچار دست از کار کشیدیم و آنها بر ما را گرفتند، زنگ زدند و به صورت ما آمدند، به دم شش شروع به کتک زدن ما کردند این چهار نفر خود را مامور کمیته معرفی کردند. به اعتراض شدید به این گونه اعمال ضد انقلابی، از مسئولین می خواهم که قاطعانه با ضد انقلاب مبارزه کنند و اجازه ندهند که نام کمیته ها - که از نهاد های انقلاب اند این چنین لکه دار شود.

**مروم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

جایان: ۱۶ آذر شماره ۶۸  
تلس: ۹۳۳۴۵۹ - ۹۳۵۷۲۸

چاپ، کواپان

**MARDOM**  
No 180  
30 February 1980  
Price:  
West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.